

«زمانی برای عاشقی» غرور و کینه را نقد می‌کند

گزارش پشت صحنه سریال جدید محمدحسین لطیفی که برای ماه محرم آماده می‌شود

صفحات ۷ و ۶

کمی منصف باشیم

علی افشار

هدفگذاری مسئولان رسانه ملی برای توسعه شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی را نمی‌توان با هیچ منطقی منافی روزآمدی، تحول، رقابت، طراوت و پویایی و فراگیری قلمداد کرد و نکات مثبت این رویکرد را نادیده گرفت.

وقتی گفته می‌شود بسیاری از شبکه‌های تازه تاسیس رسانه ملی، آنقدر در جذب مخاطب (آن هم طی یک فاصله زمانی کوتاه) توفیق داشته‌اند که گاه حتی از شبکه‌های سراسری نیز بیننده بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند، چگونه می‌توان کلیت این رویکرد مبتنی بر توسعه کمی را نفی کرد و زیر سوال برد؟

در نقد کیفی، البته می‌توان سخن‌ها گفت و موارد مختلفی را یادآور شد، چنانکه در همین «قاب کوچک» بارها به این موضوع اشاره شده که چگونه می‌توان و باید برای جذابیت مضاعف برنامه‌های رسانه ملی و تداوم توفیق در بلندمدت، تلاش کرد، اما گروهی اصولاً در نقطه شروع با توسعه مشکل دارند و مثلاً ترجیح می‌دهند کماکان تلویزیون مانند دهه ۶۰ خورشیدی در دو شبکه خلاصه شود و کیفیتش تضمین شده باشد. بدیهی است اداره کیفی دو شبکه تلویزیونی و یکی دو شبکه رادیویی خیلی ساده‌تر از اداره ده‌ها شبکه رادیویی و تلویزیونی و تلاش برای ارتقای کیفی همه شبکه‌ها در فاصله کمی از تاسیس آنهاست، اما آیا با پاک کردن صورت مساله می‌توان به حل آن رسید؟

دیروز آی‌فیلم، بازار، تماشا، نمایش و شما، امروز نسیم و فردا سروش؛ توسعه شبکه‌های مختلف رادیویی و تلویزیونی از یک سو در ایجاد موقعیت‌های شغلی بویژه برای نسل جوان و متخصص ایرانی اثرگذار است و از سوی دیگر، می‌تواند بسیاری از کارشناسان مجرب تلویزیونی را که مدت‌ها از کار دور بوده‌اند، به میدان بیاورد.

شبکه‌های جدید تلویزیونی که از آن می‌توان به‌عنوان یک نهضت و انقلاب دیجیتال در رسانه ملی یاد کرد، با وجود همه کمبودهای مالی و زمان اندک، در این سال‌ها، از سرعت تولید و رشد جالب توجهی برخوردار بوده‌اند.

امروز مدیران رسانه ملی اوضاع را به سمت و سویی برده‌اند که مخاطب با هر نوع سلیقه، رویکرد و شرایط سنی می‌تواند در کنار همه انتخاب‌های وسیع و گسترده، شبکه تلویزیونی ایرانی خود را براساس موضوع انتخاب کند و بر آن نمی‌توان جز یک موفقیت بزرگ تاریخی اسم دیگری گذاشت. در این زمینه البته شاید گفته شود سرعت پیشرفت جهانی آنقدر بالاست که توسعه مدل ایرانی هیچ‌گاه به آن نخواهد رسید. در این زمینه هم دوستان اگر عینک آفتابی را بردارند و از عینک مطالعه خود استفاده کنند، به این نتیجه می‌رسند که جدای از همه مسائل ریز و درشت تکنولوژیک و هجمله‌ها و هجوم‌ها، رسانه وطنی با برخورداری از کدام رویکرد محتوایی درصدد رقابت با رسانه‌های جهانشمول است. آیا جز این است که محتوای مسمومی از بشقاب‌ها به داخل خانه‌ها می‌رسد؟ برای مقابله با این جریان باید بشقاب را شست یا آن را شکست؟

شاید انصاف، رمز کلیدی باشد که برای توسعه کمی و کیفی سازمان صدا و سیما طراحی شده است. چیزی که متأسفانه خیلی‌ها نمی‌خواهند یا نمی‌توانند بویی از آن ببرند که اگر آن را داشته باشند و آن‌گاه در مقام مسئول یا ناظر یا منتقد بخواهند گزارش بدهند، همدلی، دلسوزی و همراهی بیشتر از سایر خصایل به چشم می‌آید.

داوود میرباقری در اجلاس پیرغلامان تجلیل شد



داوود میرباقری به عنوان هنرمند و فیلمساز برجسته عاشورایی معرفی و تجلیل شد. انتشار این خبر بار دیگر نگاه‌ها را به سمت خالق «مختارنامه» که از بهترین آثار تصویری عاشورایی تلویزیون است معطوف کرد.

این کارگردان که با ساخت مختارنامه، امام علی(ع)، مسافری و معصومیت از دست رفته به عنوان هنرمندی بادغدغه و صاحب‌سبک مطرح شده است، در یازدهمین اجلاس بین‌المللی تجلیل از پیرغلامان حسینی که در شهر گرگان برگزار شد، مورد تجلیل قرار گرفت.

میرباقری از جمله هنرمندانی است که هر گاه در زمینه تولید آثار مذهبی به فعالیت پرداخته، استاندارد تولید این دست آثار را ارتقا داده است. آخرین اثرش (مختارنامه) که دلیل تجلیل از او در آستانه ایام سوگواری امام حسین (ع) است، با برخورداری از تکنیک روایی روزآمد و روایتی تأثیرگذار، آنقدر ویژگی داشت که توانست بغض فروخته شیعیان جهان را فریاد بزند.

سروش صحت: پژمان یک اثر فوتبالی نیست



کارگردان مجموعه تلویزیونی «پژمان» آخرین ساخته‌اش را یک اثر فوتبالی نمی‌داند و معتقد است: پژمان داستانی دارد که قهرمان آن فردی فوتبالیست است. شاید به همین دلیل در کار هیچ وقت زمین فوتبالی نشان داده نمی‌شود یا چندان به جزئیات این رشته ورود نمی‌کنیم.

سروش صحت، کارگردان سریال پژمان درباره موضوع و سوژه‌محوری این مجموعه گفته است: به نظر پژمان یک سریال فوتبالی نیست. از اول هم براساس قراری که با مهرباب و پیمان قاسمخانی داشتیم، نمی‌خواستیم یک مجموعه فوتبالی درست کنیم. به هر حال وقتی شغلی برای یک شخصیت تعریف می‌شود، باید تمام حواشی و ویژگی‌های آن شغل را هم برای او در نظر گرفت؛ بنابراین ما باید در این سریال برای قهرمان قصه‌مان یعنی پژمان جمشیدی دوستان، همکاران و اطرافیان را در نظر می‌گرفتیم و به شغل او هم پرداخته می‌شد. وی در پاسخ به پرسشی درباره نوع پرداختن به رشته ورزشی فوتبال و حواشی آن در این سریال می‌گوید: در این سریال هیچ اهانتی به هیچ فوتبالیستی صورت نمی‌گیرد، فقط با این رشته ورزشی شوخی کرده‌ایم. اگر دقت کنید انتقادات مطرح شده در این سریال کمتر است و بیشتر بر پایه تشویق پیش رفته‌ایم. کارگردان سریال «چارخونه» و «ساختمان پژمان» درباره علت تکرار کاراکتر دکتر نیما افشار در سریال پژمان گفته است: ما برای انتخاب بازیگر نقش دکتر به دنبال کسی بودیم که صدای خیلی خوبی داشته باشد و به افراد مختلفی هم فکر کردیم، اما احساس کردیم بهنام تشکر برای بازی این شخصیت مناسب است؛ چراکه او هم صدای بسیار خوبی دارد، هم می‌تواند حس بازی را بخوبی با لحن صدایش منتقل کند؛ در ضمن صدای او به قول شما دکتر نیما افشار سریال ساختمان پژمان را هم یادآوری می‌کند.

مسعود فروتن: اجراء در زندگی ام یک اتفاق بود



هفته گذشته نشست خبری برنامه «یادگاری» با دست‌اندرکاران این برنامه و مدیر گروه تفریحات و سرگرمی شبکه سه سیما برگزار شد. مسعود فروتن، مجری برنامه یادگاری از حضورش در تلویزیون و اجرا گفت: به نام خدا، من مسعود فروتن هستم. کارگردان سال‌های سال تلویزیون. از نظر اداری بازنشسته، اما همچنان کار می‌کنم. هم‌اکنون کارگردانی تلویزیونی می‌کنم. بیشترین سابقه‌ام در کارهای تله‌تئاتر است و بیش از ۴۰۰ کار در کارنامه کاری‌ام دارم. اجرا هم یک اتفاق در زندگی من بود؛ البته در سال‌های جوانی‌ام خیلی دوست داشتم مطرح و معروف شوم و جلوی دوربین باشم، اما پس از مدتی فکر کردم اجرا چیزی نیست که من به دنبال آن بودم. من به دنبال تصویر بودم. نه صدای خوبی دارم و نه قیافه خوبی که مجری درجه یک باشم، به همین دلیل همیشه از درجه یک نبودم بدم می‌آمد، اما سعی کردم همیشه کارگردان درجه یک باشم. وی همچنین برنامه یادگاری را در نشست نقد و بررسی آن چنین توصیف کرد: این برنامه درست مثل این است که من نشسته‌ام و برای دوستانم از خاطره ۳۰ سال پیش خود که کار کرده‌ام و خیلی از چهره‌های مطرح سینما، موسیقی و تئاتر که جلوی من بودند، بگویم.

انتقاد شدید سام درخشانی از برخی مطبوعات



انتقاد شدید «سام درخشانی» بازیگر سریال پربیننده «پژمان» نام او را در ردیف خبرسازان هفته گذشته قرار داد.

این بازیگر از مونتاژ جعلی تصویر او روی جلد یک مجله و تیتری که به دلیل همکاری نکردن با آن مجله علیه او نوشته شده، حساسی گلایه‌مند بوده و عنوان کرده: در عرصه مطبوعات عده‌ای اندک برای کار دیگری آمده‌اند و فکر می‌کنند با تهدید ما بازیگران که چهره‌های فرهنگی کشورمان هستیم می‌توانند از ما سوء استفاده کرده و از این طریق هم سودجویی کنند. من به تازگی از سوی یک ماهنامه تهدید شدم که باید با آنها مصاحبه کنم و وقتی با مخالفتم روبرو شدند بدون اطلاع من اقدام به استفاده از عکس‌هایم آن هم با نیت تخریب کردند.

این موضوع نه فقط برای من بلکه برای بسیاری از هنرمندان از طریق ماهنامه صورت گرفته ولی من کوتاه نمی‌آیم و با وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در این باره صحبت کرده‌ام و در حال حاضر نیز از این مجله شکایت کرده‌ام. وی گفته است: یک شب سردبیر این نشریه به من پیامک تهدید آمیزی با این مضمون فرستاد «آقای درخشانی، با توجه به درخواست‌های متعدد مخاطبان نشریه ما، دوست داریم با شما گفت و گو کنیم، در صورت عدم همکاری مجبور می‌شویم از عکس‌ها و گفت و گوهای قدیمی شما استفاده کنیم!» البته که این پیامک هیچ تأثیری در تصمیم من نگذاشت، ولی به من ثابت کرد قرار نیست در شیوه برخورد این رسانه با هنرمندان تجدید نظری اتفاق بیفتد. پیش از این وقتی پای حرف‌های خیلی از همکارانم می‌نشستم، آنها نیز از برخوردهای سردبیر این نشریه برایم گفته بودند، اما باور نمی‌کردم تا این که خودم این اتفاق را دیدم.

علی درستکار و بازگشت به «این شب‌ها»



مجری «این شب‌ها» که به دلایل کاری و شخصی از اجرای این برنامه کناره‌گیری کرده بود، باردیگر با قبول اجرای آن خبر ساز شد. علی درستکار علت برگشت دوباره خود به «این شب‌ها» را رفع مشکلات و تجدید نظر در تصمیمش عنوان کرده و گفته است: اواخر شهریور ۹۱ اجرای «این شب‌ها» استعفا دادم و اکنون بزرگترین مانعی که برای حضور شایسته روی آنتن داشتم از سر راهم برداشته شد.

هر چند دلایل شخصی و درونی ام همچنان برای غیبت باقی است اما از آن‌جا که موضوع شخصی است به خدا توکل می‌کنم و از او کمک می‌خواهم. در گفت‌وگوی قبلی خود گفته بودم که بنا به دلایل شخصی و از جمله مشغولیتی که در یک مسئولیت اجرایی دارم، نمی‌توانم تمرکز و فرصت کافی برای حضور شایسته روی آنتن داشته باشم، اما حرفم را پس گرفتم و عواملی فراهم شد که در تصمیمم تجدیدنظر کنم! «این شب‌ها» با یکسری تغییرات از سر گرفته خواهد شد و امیدوارم این تغییرات مایه افزایش جذابیت آن باشد که از شب اول محرم تقدیم مردم خواهد شد.

مهران دوستی و کسب یک جایزه جهانی



مهران دوستی هفته گذشته با کسب جایزه اتحادیه رادیو و تلویزیون‌های آسیا و اقیانوسیه خبر ساز شد.

دوستی، گوینده برنامه «کافه رادیو» این جایزه را متعلق به خانواده بزرگ رادیو دانست و گفت: کسب این جایزه مهم، نشان می‌دهد که اگر ما به سمت سبک‌های جدید و از جمله برنامه‌های شخصیت محور برویم، رادیو می‌تواند جوازی بی‌شماری را برای ایران به ارمغان بیاورد.

این گوینده با تأکید بر این که برنامه‌های رادیویی ایران در سطح خاورمیانه و آسیا حرف اول را در اجرا و محتوا می‌زند، گفت: ۵۸ کشور جهان برای اتحادیه رادیو و تلویزیون‌های آسیا و اقیانوسیه برنامه رادیویی ارسال کرده بودند که سه برنامه نیز از ایران ارسال شده بود و یک برنامه از میان اینها اول شد، این اتفاق تلاش همه بچه‌های شبکه جوان و این برنامه است. من هم گوشه‌ای از این کار را گرفتم، ولی برنامه به نام من ارائه شد.

زهره مردانی

بانک ایده؛ بانک شما



شده که همه ایده‌های رسیده ثبت می‌شود و کد منحصر به فردی به آنها اختصاص می‌یابد، به طوری که صاحب ایده می‌تواند تا آخرین مراحل طراحی تولید تلویزیونی، آن را پیگیری کند و علاوه بر حفظ حقوق معنوی ایده‌پرداز در صورت تأیید ایده به عنوان حق ایده نیز پرداخت ویژه‌ای در برآورد برنامه برای آن پیش‌بینی شود. این کار از سوی دیگر، شاید پاسخ محکمی به همه آنهایی باشد که اینجا و آنجا، دائم از ناکارآمدی توسعه شبکه‌های تلویزیونی سخن می‌گویند بدون آن که راهکار خاصی برای ارتقای کیفی این شبکه‌ها ارائه کنند.

و این در برخی سریال‌ها، به محور اصلی بدل شده است. شاید بهترین کسانی که می‌توانند بر این موضوع صحنه بگذارند، خود مردم باشند. ۳- مقولات مربوط به سبک زندگی، کار و تلاش، مقولات دینی و اجتماعی در اغلب آثار مورد توجه بوده و شاید اگر به طور مصداقی و البته با دیدگاهی توأم با تخصص و انصاف درباره سریال‌هایی چون پایتخت، ستاره حیات، دودکش، نوشدارو، کلاه پهلوی و... صحبت شود، بتوان به نتایج برابری هم در این زمینه دست یافت. نتایجی که البته بر اساس همان زندگی مرسوم مردم این جامعه به دست می‌آید! ۴- وقتی آثار نمایشی تلویزیونی موجب شده بسیاری از مخاطبان بویژه جوانان و نوجوانانی از پای رسانه‌های مجازی و مدرن به پای تلویزیونی وطنی بنشینند، سخن گفتن از ناکارآمدی، دور از انصاف به نظر می‌رسد.

سبک کدام زندگی؟

روی خط رسانه‌های خبری رفته، به بازه زمانی شش ماه نخست سال ۹۱ اشاره شده (و مشخص نیست این گزارش که آبان ۹۲ منتشر شده، مربوط به شش ماه نخست امسال است یا سال گذشته؟! باید به برخی واقعیت‌های غیرقابل انکار اشاره کرد: ۱- بسیاری از مجموعه‌های تلویزیونی پخش شده از سیما، توجه به وجوه اخلاقی و عرفی و برخورداری از درونمایه فرهنگی و بومی لازم را در هدف‌گذاری و تعریف اولیه با خود داشته‌اند و چه بسا برای مقابله با آنچه به عنوان اثر ته‌اجمی رسانه‌های برون‌مرزی خوانده می‌شود، تولید شده‌اند. ۲- در بسیاری از سریال‌های سیما، بنا به رویکرد تهیه‌کنندگان و کارگردانان و البته مدیران، پرداختن به مقوله مهم انقلاب و دفاع مقدس یک اصل است

احمد رضا علیزاده

آیا به واقع آثار نمایشی ایرانی پخش شده در رسانه ملی طی شش ماهه نخست امسال، از آنچه تطابق با زندگی رایج در کشور و پرداختن به مقولات سبک زندگی خوانده می‌شود، دور بوده است؟ در گزارشی که بتازگی از سوی یکی از تشکل‌ها ارائه‌شده، شاخص‌های فرهنگ و سبک زندگی در دسته‌های حقوق افراد، کار و تلاش، سبک زندگی، مقولات اجتماعی و مقولات دینی طبقه‌بندی شده و پرداختن به این موضوعات در ۲۰ سریال ایرانی جدید پخش‌شده مورد ارزیابی قرار گرفته است. بر اساس آنچه اعلام شده، برای این کار به میزان تأثیرگذاری سریال (بر حسب میزان جذب مخاطب و کیفیت هنری) و مدت زمان پخش آن نیز توجه شده است. فارغ از نتایج اعلام شده در این گزارش که در آنچه

مردم در قاب

سپهر همیشگی رسانه‌ای

رکسانا قهقرایی



تلویزیون به اندازه آسمان بالای سرمان جاری بود و هر چند وقت یکبار خودش کانالش را عوض می‌کرد تا ما مجبور نباشیم به‌دنبال کنترل تمام خانه را بگردیم. بگذریم. برادرم بالاخره رضایت می‌دهد و از خانه به نیت مدرسه راه می‌افتد. من می‌مانم و ۴۵ دقیقه باقیمانده که هم باید حاضر شوم و هم نمی‌توانم صحبت‌های کارشناس برنامه شبکه سه را از دست بدهم. آخر دارد راجع به برنامه‌ریزی در زندگی روزمره صحبت می‌کند. موضوعی که بشدت این روزها نیازمند آن هستم. چون نمی‌توانم به موقع به کارهایم برسم. راستش را بخواهید کمی تنبلی می‌کنم. خوشبختانه صحبت‌های کارشناس

همانقدر طول می‌کشد که باید و من هم ۲۰ دقیقه فرصت دارم تا برای رفتن به محل کار خودم را آماده کنم. چند دقیقه‌ای دیر به شرکت می‌رسم. بحث بر سر سریال «پژمان» است و شوخی‌های کمدی‌اش در قسمت شب گذشته. بیش از پیش به معجزه جعبه جادو معتقد می‌شوم. مدیر شرکت هم می‌آید. او هم در بحث مشارکت می‌کند و من تعجب می‌کنم که با این همه مشغله کاری می‌گوید من محال است حتی یک قسمت این سریال را از دست بدهم. بله باز هم تلویزیون و باز هم دزدیدن نگاه‌های بیننده. به نیمه‌های بعد از ظهر نزدیک می‌شویم. اوایل آبان است و هوا نه سرد و نه گرم اما رو به تاریکی است. وقت رفتن است. تاکسی سوار می‌شوم. صدای رادیو تا آخر زیاد است و راننده دل به موسیقی در حال پخش سپرده و گهگاهی آن را زیر لب زمزمه می‌کند. با مسافران سر صحبت را باز می‌کند: چه کار کنیم دیگر؟! اگر این رادیو هم نباشد که دیگر حوصله مان سرریز می‌شود. راست می‌گوید. رادیو همدم رانندگان تاکسی است و البته یک رسانه با معرفت! به خانه که می‌آیم آرم معروف خبر از شبکه یک در حال پخش است و امپراتوری پدرم مقابل تلویزیون و این که تا پایان پخش خبر حق نداریم کانال را عوض کنیم. لباس‌هایم را عوض می‌کنم. یک چای گرم می‌نوشم و چاشنی‌اش می‌شود فکر کردن درباره این که اگر برق خانه‌مان برود دیگر چه کسی یا چه چیزی جز تلویزیون می‌تواند برایمان این همه حرف بزند؟!

ماراتن بی نتیجه

محمدرضا لطفی

درباره سیما

یکی از کارکردهای درست تلویزیون، در کنار فرهنگسازی و سرگرم کردن مخاطب، معرفی نیروهای بااستعداد و تازه نفس است. اگر به فعالیت سی و چند سال اخیر رسانه ملی نگاهی بیندازیم، می‌بینیم بسیاری از چهره‌های مطرح در زمینه کارگردانی، بازیگری و حتی تدوین، آهنگسازی و فیلمبرداری، شروع کارشان با تلویزیون (سریال، برنامه‌های پلاتویی و سایر برنامه‌ها) بوده است.

اگر از کارگردانی و ظهور و بروز استعدادهای نو در تلویزیون – که در یادداشتی دیگر به طور مفصل درباره آن بحث کرده‌ام – بگذریم، باید به بحث مهم بازیگری پرداخت که مدتی است کاملاً فراموش شده است.

بزرگان این رشته معتقدند در یک شرایط طبیعی و پویا، بسیاری از بازیگران بااستعداد ابتدا توانایی خود را در یک سریال یا حتی تیزر تبلیغاتی به رخ می‌کشند و پس از کسب تجربه و دانش کافی، کم‌کم سر از سینما و فیلم‌های سینمایی درمی‌آورند. به عبارتی دیگر، سینما به علت مناسبات بالای مالی، قدرت ریسک کمتری دارد و در این میان رسانه تلویزیون اساساً به یک کارخانه کشف استعداد تبدیل شده است که این منطقی به نظر می‌رسد و در کشور ما نیز دوره‌ای به همین منوال عمل شده است. سینما در عین معرفی چهره‌های جدید، درصدد جذب نیروهای بااستعداد و با دانش تلویزیون بود و صدا و سیما نیز در دوره‌ای با علم به این دانش، سهم مهمی از آثار خود را به کشف نیروهای خلاق اختصاص می‌داد؛ نیروهایی که پس از کسب تجربه لازم، در نهایت یا به شکل حرفه‌ای جذب تلویزیون شده یا به مرور به یکی از گنجینه‌ها و داشته‌های سینما تبدیل می‌شدند.

این شیوه اما در یک برهه زمانی به مسیری غلط رفت. تلویزیون و دوستان سریال‌ساز و مدیران وقت برای جذب مخاطب بیشتر و نشان دادن توانایی‌های خود، سراغ بازیگران سینما رفتند. این دوستان برای نشان دادن قدرت خود به دنبال ستاره‌هایی رفتند که در سینما یک‌ه تاز بودند و برای جذب آنها دستمزدهای خوبی هم پرداختند.

این حرکت در نگاه اول شاید یک حرکت تحولی و حتی قابل تقدیر بود، ولی بهتر است نگاه این عزیزان حلاجی شود و حتی به آنها حق داده شود که نیت آنها خیر بوده و قصد جذب تماشاگر حداکثری را داشته‌اند. اما چه بخواهیم و چه نه، این رویه یک سیستم طبیعی را به هم زد و باعث شد تا امروزه هم سینما و هم تلویزیون، دچار معضلی به نام راضی نگه داشتن بازیگران چهره شوند. شاید اگر این رویکرد در همان مقطع متوقف می‌شد، وضع به شکل امروز بحرانی نمی‌شد. متأسفانه به استمرار این شیوه اصرار شد و سبب شد کار به جایی بکشد که دوستان برای چشم و همچشمی و نشان دادن این که بازیگران بیشتری را در کار دارند، یک ماراتن بی‌نتیجه را آغاز کنند. این واقعا نگاهی غلط است که حالا اگر سریال یا تله‌فلمی چهره نداشته باشد، قابل پخش نیست. این که در اولین پرسش خود از تهیه‌کنندگان بپرسند چند چهره در این کار حضور دارد، زبینه نیست. این نگاه اشتباه باعث شده دیگر هیچ چهره جدید و البته توانمندی در بازیگری به عرصه هنرهای تصویری معرفی نشود و از پنج شش سال قبل به این طرف، ما مجبور به استفاده از نیروهای قدیمی‌تر باشیم. همین روش غلط باعث شده بسیاری از استعدادها برای بروز توانایی‌های خود فرصت پیدا نکنند و تماشاگر و مخاطب هم به نوعی تکراری بودن چهره‌ها و سوژه‌ها را احساس کند. به نظر می‌رسد هنوز فرصت برای جبران وجود دارد و باید این رویه را به کلی تغییر داد تا دوباره با ورود نیروهای خلاق و جدید، خون تازه‌ای به پیکره هنرهای تصویری تزریق شود. این اتفاقی است که قطعاً تلویزیون قادر به انجام آن است و باید برای آن برنامه‌ریزی کند.

پلان ۱ / انتظار

پس از «رسوایی» مسعود دهنمکی، همگان منتظر بودند تا ببینند این کارگردان در ادامه مسیر کارگردانی خود، سراغ چه قصه‌ای می‌رود که پس از گمانه‌زنی‌های مختلف، این کارگردان در امتداد عروج خود در عرصه کارگردانی به «معراجی‌ها» رسید.

پلان ۲ / خبرنگارها

هنگام ورود به لوکیشن فیلم معراجی‌ها، اولین چیزی که نگاهم را جلب کرد خبرنگارانی بودند که سر لوکیشن این فیلم حاضر شده بودند تا نشان دهند چقدر برای ما به اصطلاح ژورنالیست‌ها، پیگیری فیلم کارگردان سه‌گانه «خراچی‌ها» مهم است. حال می‌خواهد لوکیشن آن در موقعیتی مناسب در تهران باشد یا نه... بعد از احوالپرسی با دوستان خبرنگار، سراغ عوامل فیلم رفتیم تا از نزدیک در جریان چند و چون ماجرای ساخت فیلم - مجموعه معراجی‌ها قرار بگیریم.

گروه فیلمبرداری در لوکیشنی بود به مساحت یک وجب و نیم! البته این شاید یک تصویر اغراق‌آمیز باشد، ولی برای گروه سازنده به واقع کار در این فضا راحت نیست. وقتی وارد لوکیشن شدم بسختی توانستم مسعود دهنمکی را پیدا کنم. گوشه‌ای ایستاده بود و نقش‌آفرینی امیر نوری را نگاه می‌کرد.

پلان ۳ / شلوغی

دقیقه‌ها سپری می‌شد و تعداد کات گفتن‌های مسعود دهنمکی هم کورنومتر می‌انداخت! پلان‌هایی گرفته می‌شد و بوضوح می‌توانستی رگه‌هایی از کار این کارگردان را ببینی... رگه‌هایی که برای هر کسی آشناست مثلاً تکیه کلام‌ها، شوخی‌ها، تسبیح، پوشش خاص و... .

پلان ۴ / یک حاشیه

رفتارهای فردی که بیشتر شبیه دستیار کارگردان بود، به نظرم جالب آمد. در حالی که گروه مشغول فیلمبرداری بود فردی که مشغول صحبت کردن با تلفش بود، اعلام کرد: سکوت لطفاً! ضبط است... و مجدد به صحبت ادامه داد! با خود گفتم حتما این هم نمونه جدیدی است از دستپاچی!

پلان ۵ / مسعود دهنمکی

جدیت و حساسیت دهنمکی برایم سوژه‌ای شده بود تا ری‌اکشن‌های این کارگردان پرحاشیه سینمای ایران را روی کاغذ ببرم.

هنوز هم وقتی نگاهش می‌کنی با وجود چهره جدی و گاه عصبانی‌اش، گاهی با دیالوگ‌ها و شیوه نقش‌آفرینی‌های بازیگرانش، می‌خندد و تو را ناخواسته به یاد پشت صحنه‌های اخراجی‌ها می‌اندازد. بعد از کات نهایی مسعود دهنمکی، سراغ او می‌روم و از او می‌پرسم آیا علاقه خاصی به ترکیب اسامی با «ها» در عنوان کارهای سینمایی یا تلویزیونی خود دارد که می‌گوید: انتخاب این نام‌ها، شاید یک نوع کنجکاوی و ترغیب ذهنی برای مخاطب ایجاد کند و او را به این نتیجه برساند که کار جدید من هم در ادامه همان حرف‌ها و دغدغه‌هایی است که معمولاً در آثارم مطرح می‌شود. از او می‌پرسم برخی معتقدند علت استقبال از کارهای شما، حضور ستاره‌ها در این کارهاست. دهنمکی با جدیت پاسخ می‌دهد: ستاره‌ها در دیگر سریال‌ها یا فیلم‌های سینمای ایران هم هستند، پس چرا از آن فیلم‌ها استقبال نمی‌شود؟ دلیلی ندارد ستاره‌های سینما با حضورشان ضامن فروش بالای فیلم‌ها باشند. البته که ستاره‌های سینما کمک خواهند کرد تا مضمون فیلمنامه بخوبی از آب درآید. فیلم رسوایی ثابت کرد با سه بازیگر مطرح هم یک فیلم می‌تواند به فروش خوبی نایل شود.



تصویری از فیلم - مجموعه «معراجی‌ها» / عکس: پایک پروژه

برشی از جامعه پس از جنگ

گزارشی از پشت صحنه یکی از فصل‌های سریال «معراجی‌ها»

هم گریه و شیون می‌کنند. قاب عکس با عکس مهران رجبی در دست کودکی خردسال است که گویا مادرش بهاره افشاری است و قاب عکسی که جواد هاشمی را نشان می‌دهد، در دست لاله صبوری است.

سیدمهراد ضیایی، یکی دیگر از استادان این دانشگاه است که میان مردم چشمم به او می‌افتد و چند کلامی با او صحبت می‌کنم.

ضیایی درباره نقشش می‌گوید: در معراجی‌ها نقش یکی از استادان دانشگاه را بازی می‌کنم. او فردی مثبت است که سعی دارد رابطه‌ای بسیار خوب و صمیمی با دانشجویانش داشته باشد و دانشجویان هم با او رابطه‌ای خوب دارند.

او ادامه می‌دهد: برای بار اول است که با ده نمکی همکاری می‌کنم و از این همکاری راضی هستم. شاید به عقیده بسیاری، زمان طرح چنین قصه‌ای گذشته باشد، اما من همچنان معتقدم این‌ قصه زمان و تاریخ انقضا ندارد و در هر شرایطی می‌شود چنین داستانی را به تصویر کشید.

این سکانس با حضور بازیگرانی چون لاله صبوری، بهاره افشاری، سمانه پاکدل، علی صادقی، حسین مهری، اصغر نقی‌زاده، نیما شاهرخ‌شاهی و امیرنوری اجرا می‌شود و در آن بازیگرانی که در نقش دانشجویان این دانشگاه قرار است جلوی دوربین بروند، صورتشان زخمی است و همگی با گریم‌هایی که خون روی صورتشان است و دست، پا و سرشان شکسته یا جراحت برداشته در حال ایفای نقش هستند.

پیش از این که بازیگران جلوی دوربین حاضر شوند، دهنمکی با آنها درباره سکانس تشییع پیکر شهدا صحبت کرده و نحوه قرار گرفتن و بیان دیالوگ‌ها را با آنها تمرین می‌کند.

میان جمعیت و در دست هنرورها برگه‌هایی حاوی شعرهایی چون «عشق یعنی استخوان» و... نیز پلاک دیده می‌شود که برای استقبال از پیکر شهیداست.

در خلاصه داستان معراجی‌ها آمده: قرار است تعدادی از شهدای گمنام تفحص شده در یکی از دانشگاه‌ها دفن شوند، اما گروهی از دانشجویان با تحریک استاد گنجی اقدام به آشوب و جنجال در دانشگاه می‌کنند که آغاز قصه‌ای می‌شود و گروه دانشجویان مجبور به سفری ناخواسته می‌شوند...

هم درسخوان نیست، بازی می‌کند. فرید به دلیل ترس از نرفتن به سربازی دوست دارد دست به هر کاری بزند و یکی از اینها هم حضور در تشکل بسیج دانشگاه است که او را به عبارتی به دانشگاه پایبند می‌کند و مانع از اخراج او توسط مسئولان می‌شود. وی درباره حضورش در این اثر که سومین تجربه همکاریش با مسعود دهنمکی است، می‌گوید: این علاقه باطنی من است که همیشه در تمام نقش‌هایم بخش‌هایی از کمدی را به کار اضافه کنم و این برگرفته از شخصیت درونی خودم است.

در محوطه خارجی و به عبارتی حیاط این دانشگاه علاوه بر سرمای شدید هوا، تعداد زیادی هنرور هم دیده می‌شود که از صبح زود حاضر شده‌اند. جمعیت زیادی است از زن و مرد و بچه و پیر و جوان و قرار است در این سکانس گروه فیلمبرداری را همراهی کنند که اگر غفلت می‌کردیم، ممکن بود ما هم به این هنرورها اضافه شویم و در کادر دهنمکی قرار بگیریم!

حالا رویگری هم پس از اتمام گریمش در کنار بازیگران ایستاده و منتظر شروع سکانس با هدایت دهنمکی است. فرصت خوبی است برای گپی کوتاه با بازیگر نقش یکی از استادان دانشگاه. همین را درمی‌یابم که رویگری بتازگی به پروژه «شاه‌گوش» داوود میرباقری - که برای شبکه نمایش خانگی ساخته می‌شود - پیوسته و در کنار آن در سریال «زمانی برای عاشقی» محمدحسین لطیفی - که برای پخش در ایام محرم آماده می‌شود - ایفاگر یکی از کاراکترهاست. او همچنین ظرف چند روز آینده اولین کنسرت خود را برگزار می‌کند و در حال حاضر مشغول انجام تمرین‌های مربوط است.

در این شلوغی که قرار است تشییع پیکر چند شهید گمنام توسط چند نفر از بازیگران و هنرورها انجام شود، چشمم به بازیگرانی می‌افتد که بتازگی به این پروژه پیوسته‌اند. بازیگرانی چون لاله صبوری، بهاره افشاری و دانیال عبادی که روز اول حضورشان در این سریال است.

یکی از نکات جالب، قاب عکس‌هایی است که در دست بهاره افشاری و لاله صبوری - با عکس بازیگرانی چون جواد هاشمی و مهران رجبی است که گویا در قصه شهید شده‌اند - افشاری و صبوری از خانواده شهدا هستند و قاب عکس عزیزشان را در دست گرفته‌اند و هر از گاهی

مآنده میری

نزدیکی‌های ظهر یکی از روزهای پاییزی است که پس از طی کردن مسیری طولانی و چیزی شبیه مسافرت بین شهری به لوکیشن اصلی گروه «معراجی‌ها» می‌رسیم. اینجا در اصل یک پژوهشکده هواشناسی در حوالی چیتگر است که با تغییراتی به دانشکده هنرهای تجسمی تبدیل شده است. گروه پس از یک ماه فیلمبرداری، این هفته سکانس‌های پایانی مربوط به دانشگاه را ضبط می‌کند و سپس عازم شهرک دفاع مقدس، لوکیشن‌های خیابانی و خانه دو شخصیت اصلی سریال می‌شود.

پس از سه‌گانه «خراچی‌ها» و «رسوایی» نوبت فیلم و سریال جدید مسعود دهنمکی است. این اثر که با نام «معراجی‌ها» حدود یک ماه پیش و در لوکیشن دانشکده هنرهای تجسمی کلید خورده، اکنون همانجا به تصویربرداریش ادامه می‌دهد. معراجی‌ها قرار بود به جشنواره فیلم فجر برسد و سپس نسخه سریالی‌اش از تلویزیون پخش شود، اما امروز دهنمکی حرف دیگری می‌زند. او می‌گوید: اصراری برای رسیدن به جشنواره و اکران در آن نداریم و بیشتر هدفمان اکران این فیلم برای مخاطب است و پس از آن از شبکه یک سیما پخش خواهد شد.

او می‌گوید: درونمایه این اثر برگرفته از داستانی اجتماعی است که پس از دوران جنگ اتفاق می‌افتد و حال و هوای آن زمان را به تصویر می‌کشد، در ضمن این سریال مانند همه آثارم فضای کمدی را نیز در خود گنجانده است. همیشه در تلاشم تا در کارهایم طوری مسائل را مطرح کنم که مخاطب براحتم با آن ارتباط برقرار کند و خدا را شاکرم که تا الان آثارم با استقبال خوبی از جانب مخاطبان همراه بوده است. این را از آمار فروش فیلم‌ها و استقبال از مجموعه تلویزیونی «دارا و ندر» می‌گویم.

در بدو ورود به داخل ساختمان می‌روم و بعد از پرس و جواهیم متوجه می‌شوم تعدادی از بازیگران در اتاق گریم هستند، به همین دلیل و پس از پیمودن پله‌های یک طبقه به اتاق گریم می‌رسیم. امیر نوری و رضا رویگری از بازیگران حاضر در اتاق گریم هستند. دقایقی بعد از اتمام گریم نوری، سوالاتی کوتاه از او می‌پرسم. نوری به گفته خودش در این مجموعه نقش فرید، دانشجویی را که زیاد

نگاهی به سریال «زمانه» که این روزها از آی فیلم پخش می شود

یک ملودرام گرم و باورپذیر



محمد جلیوند

پرداختن به جامعه و مسائل پیرامون آن، همواره مورد توجه سازندگان مجموعه‌های تلویزیونی بوده که بخش مهمی از آن به جذابیت‌های بالقوه موضوع‌های یاد شده و ملموس بودنش برای مخاطب برمی گردد. «زمانه» ساخته حسن فتحی که این روزها شاهد بازپخش آن از شبکه آی فیلم هستیم، قالب ملودرام را برای روایت قصه خود برگزیده و از چند تم اصلی و فرعی مانند عشق، قضاوت و... بهره گرفته است. زمانه، داستان جوانی به نام بهزاد فروزانفر است که شرکت تبلیغاتی‌اش با مشکلات مالی فراوان دست و پنجه نرم می کند و در عین حال هم علاقه‌ای به کمک گرفتن از عمومی کارخانه‌دارش (حسام) ندارد. در این میان بهزاد که نامزدی غیررسمی به نام نگار (دخترعمویش) دارد، پی

به راز قتل پدرش برده و وارد ماجراهایی پیچیده می شود. جلالی، کاظمی پور و تشکری به عنوان نویسندگان این مجموعه در قسمت‌های ابتدایی، رگه‌های کمرنگی از هملت را وارد داستان خود کرده و مخاطب را به دنبال خود می کشانند، اما خیلی زود با چرخشی تماشایی به این قصه نه‌چندان تازه سروشکل بومی بخشیده و تم خیانت (ارتکاب قتل برادر به دست حسام فروزانفر) را تقویت کرده است. نویسندگان فیلمنامه با زمینه‌چینی دقیق، مخاطب را با بهزاد همراه می کنند و به قضاوت درباره قتل پدر بهزاد می‌نشانند. در این مسیر نیز با قرار دادن چند شخصیت مساله‌دار (مانند دلاور معناد به مواد مخدر و نیز انباردار نه‌چندان دست‌پاک کارخانه حسام) تردید را در مخاطب برانگیخته و به فکر فرو می برد. طرح دعوی از سوی بهزاد و آشنایی او با ارغوان به عنوان وکیل، یکی از نقاط عطف فیلمنامه زمانه است که بتدریج گسترش

یافته و به قصه اصلی تبدیل می‌شود.

فتحی در کارهای تلویزیونی‌اش عموماً شخصیت‌هایی خاکستری رنگ خلق کرده و عمده موفقیت آثارش نیز از همین مساله نشأت گرفته است. در زمانه هم این اتفاق رخ داده و شخصیت‌ها اغلب خاکستری بوده و در بسیاری از لحظات کاملاً منفعت‌طلبانه برخورد می کنند، اما ماجرا درباره شخصیت‌های زن مجموعه زمانه، کاملاً متفاوت است و اغلب کلیشه‌های به کار برده شده برای پرداخت آنها، جواب نداده است. به همین علت شخصیت‌های یاد شده فاقد کشش و عمق هستند و مخاطب برای نزدیکی بیشتر به آنها کاری بس دشوار پیش رو دارد.

ازدواج پنهانی بهزاد و ارغوان - که نشأت گرفته از عشقی سوزان اما کم‌دوام است - چرخ‌های قصه را درست در جایی که از نفس افتاده به حرکت درمی آورد و ریتم پرشتاب‌تری به آن می‌بخشد. در واقع فتحی بخوبی فضا را برای رفتن داستان به سمت فاجعه فراهم کرده که شروعش با سکنه مغزی و مرگ مادر ارغوان کلید خورده است. این همان هنر کارگردانی به نام حسن فتحی است که اوج و فرودها را بدرستی تخمین زده و به اجرا درآورده است و بخش مهمی از پرمخاطب‌شدن کار هم به او برمی‌گردد.

شبکه‌های دیجیتال و موفقیت در گام نخست

احمد رضا علیزاده

این روزها تماشای بازپخش سریال‌های مطرح ایرانی و خارجی از شبکه‌های دیجیتالی، مخاطبان رسانه ملی را وارد یک رقابت دلپذیر کرده است. از سویی همه پیگیر ماجراهای «پژمان» و «اولین انتخاب» هستند و از سوی دیگر «جومونگ» و «زمانه» و دیگر سریال‌های مطرح تماشا و آی فیلم و نمایش و سایر شبکه‌های دیجیتالی را دنبال می‌کنند.

بسیاری از سریال‌ها زمان پخش خود طرفداران زیادی دارند، اما به مرور زمان، موضوعیت خود را از دست می‌دهند و در بازپخش سال‌های آینده توفیق نخواهند داشت.

برعکس، بعضی مجموعه‌های تلویزیونی هم اگر بارها تکرار شوند برای همه نسل‌ها و دوره‌های زمانی جذابیت دارند و علاوه بر این که مخاطبان قدیمی حاضرند آن را دوباره ببینند، در هر دوره مخاطبان جدیدی هم پیدا خواهند کرد.

این سریال‌ها و حتی فیلم‌های سینمایی موضوعی فراگیر و دائم دارند که با گذشت زمان، ارزش محتوایی خود را از دست نمی‌دهند و از مفاهیم ثابتی همچون ادب، فداکاری، احترام، علاقه، دین و امثال این بهره می‌برند و با توجه به همین معیارها، گزینه‌های خوبی برای قرار گرفتن در برنامه‌های بازپخش شبکه‌های مختلف رسانه ملی هستند.

امسال پخش مجموعه تلویزیونی «سال‌های دور از خانه» از شبکه تماشا، به عنوان یک سریال قدیمی که جز باورق زدن خاطرات در فضای مجازی، نمی‌شد ردی از آن یافت، توانست علاوه بر مخاطبان قدیمی این سریال، نسل جدید مخاطبان رسانه ملی را هم باخود همراه کند.

مقوله بازپخش برنامه‌ها و سریال‌های نمایشی، یک بازی برد برد است که اکنون به یک ضرورت تبدیل شده است.

واقعیت آن است که به‌رغم همه تفاسیری که از سوی منتقدان ارائه می‌شود، شبکه‌هایی که وظیفه سرگرم‌سازی مخاطب را برعهده دارند، می‌توانند با بازپخش‌ها - بویژه بازپخش کارهای موفق و پربیننده سیمای سه دهه گذشته - در سال‌های اولیه حیات، مخاطبان اختصاصی خود را جذب و تربیت کنند و در ادامه با تأمین بودجه لازم و البته نیروی انسانی مورد نیاز و برنامه‌ریزی برای تولید، مخاطبان خود را گسترش ببخشند.

آگهی مناقصه عمومی

شماره ۸۰۰/اس مورخ ۹۲/۰۸/۰۴

شرکت سارا ائل ایران در نظر دارد، اجرای سقف یکی از پروژه‌های خود از نوع سقف مرکب عرشه فولادی به متراژ حدود ۸۵۰۰ متر مربع واقع در شهرستان کرمان را به صورت تهیه مصالح و اجراء از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط که در زمینه اجرای سقف‌های عرشه فولادی فعالیت دارند، واگذار نماید. لذا، از کلیه پیمانکاران و شرکت‌هایی که توان ارائه ضمانت‌نامه بانکی به مبلغ ۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال (پنجده میلیون ریال) برای شرکت در مناقصه را دارا می‌باشند دعوت می‌گردد جهت دریافت اسناد و مدارک مناقصه با در دست داشتن معرفی‌نامه و واریز مبلغ ۵۰۰۰۰۰۰ ریال (پنصد هزار ریال) به حساب جاری شماره ۷۸۲۹۲۸۰۰۱۲ نزد بانک تجارت شعبه شهید بهشتی شرقی کد ۲۳۰ به نام شرکت سارا ائل ایران به نشانی: تهران - خیابان شهید بهشتی، خیابان اندیشه، اندیشه دوم شرقی، پلاک ۲۴، طبقه پنجم، امور قراردادهای، تلفن: ۸۸۴۵۹۸۸۷ داخلی ۱۱۹ آقای مهندس منصوری مراجعه نمایند.

- مهلت دریافت اسناد: روز یکشنبه مورخ ۹۲/۰۸/۱۲ لغایت ساعت ۱۴ روز شنبه مورخ ۹۲/۰۸/۱۸
- مهلت ارائه پیشنهاد قیمت: تا ساعت ۱۴ روز دوشنبه مورخ ۹۲/۰۸/۲۷
- تاریخ بازگشایی پاکات: ساعت ۱۰ صبح روز شنبه مورخ ۹۲/۰۸/۲۸
- محل بازگشایی پاکات: تهران - خیابان شهید بهشتی، خیابان اندیشه، اندیشه دوم شرقی، پلاک ۲۴، طبقه پنجم
- هزینه جاب آگهی از برنده مناقصه دریافت می‌گردد.
- پیش پرداخت طبق آیین نامه تضمین برای معاملات دولتی عمل خواهد گردید.

استخدام بازاریاب خانم
با روابط عمومی خوب
ترجیحاً رشته‌های تجسمی
حقوق ماهیانه + پورسانت عالی
۲۲۵۳۷۸۶۰ - ۰۹۱۲۷۶۰۲۹۵۸

گیلان - رودسر
جایگاه پمپ بنزین
مساحت ۳۰۰۰ متر جایگاه در جه یک
۰۹۱۱ ۸۸۸ ۱۹۲۰

فروش فوق‌العاده املاک
خراسان رضوی، باقرآباد مشهد
قطعات ۳۵۰ متری، سند قطعی دفترخانه
قطعاتی ۷ مایلین
میدآباد دهکده قطعات ۳۵۰ متری ۱۰۰۰ متری
۸۸۸۰۹۶۳۴ - ۰۹۱۹۶۲۰۶۵۴۶

صاحب عکس به نام رضا بوسر ۶۱
ساله از تاریخ ۱۳۹۰/۰۳/۱۲ منزل
خارج و ناآکون مراجعت نموده
است کسانی که از نامبرده‌املاک
دارند خواهشمند است با شماره تلفن:
۰۹۱۹۲۵۲۴۴۷۸ و ۲۳۳۲۷۵۲۶
تماس و خانواده‌ای را از تگرانی برهانند.

مشهد مقدس
قابل توجه ارکان‌ها و هیئات مذهبی
مجمع ۱۳ واحدی سونیت آپارتمان با امکانات کامل
پنادهروی ۱۵ دقیقه تا حرم مطهر
به فروش می‌رسد
۰۹۱۵ ۲۰۳ ۹۹۴۱

مشهد - شهرک صنعتی توس
رهن و اجاره فوری کارخانه لبنیات
با کلیه دستگاه‌های مجهز و سردخانه
۰۹۳۶۵۱۵۲۴۳۳



«زمانی برای عاشقی» غرور و کینه را نقد می‌کند

گزارش پشت صحنه سریال جدید محمدحسین لطیفی که برای ماه محرم آماده می‌شود

بهناز وفايي وحدت

خود را این بار با ساخت سریال ویژه ماه محرم شبکه تهران ادامه می‌دهد.

این کارگردان می‌گوید: زمانی برای عاشقی هم مانند همه کارهای محرمی، وامدار قصه‌آشنایی است که به دفعات با محوریت تعزیه و آیین‌های دهه اول محرم ساخته می‌شود. البته سعی ما بر این بوده تا برای خودمان هدف‌گذاری کنیم و یکی از هدف‌های بزرگ ما، مروری بر صفات و خصایل مذمومی چون کینه و غرور است که امیدواریم با پخش این سریال و برقراری ارتباط با مخاطب به اهدافمان برسیم. ما در



لطیفی:

اگرچه در سریال

«زمانی برای عاشقی» با جستجو

طرف هستیم اما این سریال مانند

سریال سفر سبز، حال و هوای

معماگونه ندارد



این سریال می‌خواهیم تصویر کنیم که هر کس غرور و کینه در دل داشته باشد، هر چقدر هم انسان مومنی باشد، مرید مولایمان حسین(ع) نیست. لطیفی به این نکته اشاره می‌کند که گرچه در این سریال با جستجو طرف هستیم اما این سریال مانند سریال سفر سبز، معمایی نیست.

او می‌گوید: در این سریال - که در ده قسمت ۴۵ دقیقه‌ای ساخته می‌شود - حاج مرتضای قصه ما بعد از ۲۰ سال به دنبال دوستان قدیمی خود می‌گردد و پس از پیدا کردن آنها می‌بیند هر کدام با مشکلی روبه‌رو هستند. ما درباره‌ی خوبانی حرف می‌زنیم که باید

ایرادشان گفته شود تا خودشان را اصلاح کنند، چه برسد به بدها که خود من جزو آنها هستم.

این کارگردان در ادامه می‌گوید: فیلمنامه این کار سه سال پیش تصویب شده، اما به دلایلی کار ساخته نشده است. من هم درباره‌ی چند و چون کار و دلایل به تولید نرسیدن آن کندوکاو نکردم و موقعی که آمدم، کار شروع شد و سریع درگیر تولید شدیم.

زمانی برای عاشقی، لوکیشن‌های زیادی دارد. غیر از امامزاده داوود و جاده کن و بیمارستان البرز کرج، بقیه لوکیشن‌ها داخل شهر تهران انتخاب شده‌اند. فرهاد قائمیان، رضا رویگری، عنایت شفیعی، علیرضا اوسینود، نصرت میرعظیمی، کاظم هژیر آزاد، احمد علامه دهر، امین ایمانی، ابوالفضل همراه، امیر کاظمی، زهرا سعیدی، زهره حمیدی، لایلا بلوکات، نفیسه روشن، سعیده عرب و بازیگر خردسال عرفان برزین از بازیگرانی هستند که در زمانی برای عاشقی ایفای نقش کرده‌اند.

دیگر عوامل تولید این مجموعه عبارتند از: مجری طرح و دستیار کارگردان: حسن لبافی، مدیر تولید: حسن مصطفوی، مدیر تصویربرداری: ابراهیم غفوری، تصویربرداران: مهدی امیری، رضا شیبانی، موسیقی متن: یحیی سپهری‌شکیب، مدیر برنامه‌ریزی: امیرعباس لطیفی، طراح چهره‌پردازی: ایمان امیدواری، گروه چهره‌پردازی: حمید مرادی، نوید میرالی، محبوبه تاتلاری، طراح صحنه و لباس: بابک پناهی، صداپرداز: امیر حاتمی، گروه صدا: پرویز جلیلی، مصطفی هاتفی، گروه کارگردانی: بهنام اعلمی و علیرضا فرحزادی، منشی صحنه: سپیده سپهرآرا، دستیار تولید: هادی سعیدی، گروه صحنه: بهنام جعفری‌طادی، امیر بیگی، علیرضا پناهی و سحر اصغرزاده، عکاس: حسن ناحی، تدوین: امیرشبیان خاقانی، تدارکات: نیما مجتهدی، گروه تولید: شهاب اشعریون، علی اصغر بازگشا، میثم سوری و روابط عمومی: محمد میرابی.

سفره شام پهن است و حاج مرتضی و همسرش همراه فرزندان‌شان مشغول خوردن غذا هستند. دوربین در نمای لانگ‌شات، خانواده را در قاب خود دارد. آنها درباره‌ی آتش‌سوزی تکیه صحبت می‌کنند و هر کس نظر خود را می‌دهد.

زینب (که نقش او را نفیسه روشن بازی می‌کند) رو به پدر می‌کند و می‌گوید: خود به خود که آتش نگرفته آقاچون، لابد یکی به کاری کرده دیگه!

پدر (فرهاد قائمیان) در پاسخ دخترش می‌گوید: بعضی وقت‌ها هم ممکنه خود به خود آتش بگیره. کافیه دو تا سیم پشت کنتور اتصالی کنه یا شیر گاز نشستی بده.

و زینب در ادامه صحبت‌های پدرش خدا را شکر می‌کند که موقع آتش‌سوزی کسی در تکیه نبوده است.

نقش همسر حاج مرتضی را زهره حمیدی بازی می‌کند، در فرصتی مناسب بین دو سکانس از مجموعه، گپی کوتاه با او می‌زنم. حمیدی با اشاره به این که نقش مادر خانواده بنام عالیه را بازی می‌کند، می‌گوید: خانواده‌ای کاملاً سنتی هستیم و عروس و مادر شوهر در یک خانه با هم زندگی می‌کنیم. در این خانواده مادر وظیفه سختی را به عهده دارد چرا که نقش میانجیگری بین عروس و پدر شوهر و بقیه افراد خانواده را دارد و باید مدبرانه بین همه صلح و صفا ایجاد کند، بخصوص بین عروس و پدر شوهر که بر سر مسائلی با هم اختلاف نظر دارند.

وی که برای اولین بار است نقش مادر بزرگی را که یک نوه کوچک دارد بازی می‌کند، از نقش خود راضی است و می‌گوید: اوایل به نظرم ایفای چنین نقشی کار سختی بوداما با شرایط کنار آمدم و خودم را با نقش وفق دادم. گرچه همیشه نقش مادر را بازی کرده‌ام، در این کار با این که نوه بزرگی هم ندارم ولی باید

به حس دیگری برسیم و در این مسیر جاهایی که از حس دور می‌شوم یا فراموش می‌کنم، آقای لطیفی با تذکرهايش به کمکم می‌آید و در نوع راه رفتن و حرف زدن و حتی نشستن و پا شدنم به من گوشزد می‌کند که نقش مادر بزرگ را باید ایفا کنم .

او با توجه به این که در زندگی واقعی خود مادر بزرگ است، اما در این باره هنوز به حس مادر بزرگ بودن نرسیده، چرا که معتقد است نقش اصلی مادر بزرگ را در این زندگی مادر خودش که الحمدلله هنوز در قید حیات است، بازی می‌کند، تا جایی که نوه اش نیز باور نمی‌کند او مادر بزرگ است و گاهی، زهره حمیدی را در خانه به جای مادر بزرگ، خاله خطاب می‌کند، که این حکایت از جوان بودن سن خانوادگی اش دارد و آرزوی سلامت برای او و خانواده محترمش داریم .

حمیدی که برای اولین بار است با لطیفی همکاری می‌کند، گفت: همیشه کارهای آقای لطیفی را دوست داشتم و منتظر فرصتی بودم تا با ایشان همکاری داشته باشم و در این سریال این فرصت ایجاد شد . به نظر من آقای لطیفی کارگردانی با اخلاق و کاربلد است و بازیگر در کارش سردرگم نیست و می‌داند چه کار باید بکند.

دوربین روبه‌روی فرهاد قائمیان قرار دارد و حاج‌مرتضای سریال ضمن صحبت با اعضای خانواده به نوه اش نیز غذا می‌دهد. در این میان حاج مرتضی با گفتن دیالوگش از سر سفر بلند شده و به اتاقی دیگر می‌رود. عرفان، نوه حاجی نیز از سر سفره بلند می‌شود و به دنبال او حرکت می‌کند و می‌گوید، آقاچون باهاتون میام و با این حرکت و دیالوگ وابستگی خود به پدر بزرگ را به نمایش می‌گذارد.

مادر خانواده که با نگاه خود حاجی را دنبال می‌کند، از او می‌پرسد: کجا حاجی، شامت رو نمی‌خوری؟ لیلا بلوکات در نقش عروس خانواده نیز امیرعباس را ترغیب به نشستن سر سفره می‌کند، اما او به کارش ادامه می‌دهد: تو دیگه کجا میری؟ بیبا آقاچون رو اذیت نکن .

و سرانجام در پایان این پلان از سکانس ۲۰، حسین پسر خانواده که نقش آن را امین ایمانی بازی می‌کند رو به حاجی می‌گوید: آقاچون باهاتون بیام؟ حاجی هم از داخل اتاق که در حال پوشیدن کت و شلوارش است می‌گوید: نه، به کاری دارم می‌رم زود برمی‌گردم .

تا شرایط نور تغییر داده شود و دوربین متناسب با دکوپاژ کارگردان جای خود را پیدا کند، سراغ زینب که دختر خانواده است و کنار مادر نشستۀ می‌روم. نفیسه روشن بازیگر خوش اخلاقی است و من نیز گپی کوتاه با او را در این فرصت غنیمت می‌دانم .

او معتقد است زینب که در یک خانواده سنتی بزرگ شده است دغدغه‌های پدر و مادرش را دغدغه‌های خود می‌داند و برایش جالب است در این خانواده سنتی، با پدری سختگیر، شغل پرستاری را اختیار کرده و بر خود وظیفه می‌داند، محبت و مهربانی و صبرش را بین خانه و محیط کارش تقسیم کند .

وی در ادامه می‌گوید: نقش زینب را می‌پسندم ولی این نقش هم آن نقش پیچیده و دشواری نیست که بعد از ده سال انتظار آن را می‌کشیدم... با این حال، کار با آقای لطیفی را بی‌نظیر می‌دانم چرا که مدت‌ها منتظر وقوع آن بودم.

این بازیگر که سومین کار مناسبی خود با موضوع محرم را تجربه می‌کند، می‌گوید: کار مناسبی شور و عشقی در خود نهفته دارد که انرژی خاصی به آدم می‌دهد. تایم پخش چنین کارهایی معلوم است و چه ماه مبارک رمضان و چه فضای خاص دهه اول محرم وقتی کار پخش می‌شود با حس و حال و هوا و دعای مردم شریک می‌شویم.

روشن ادامه می‌دهد: البته این کارها سختی‌های خاص خودش را هم دارد و تولید آن در زمان کوتاه بخصوص وقتی زمان ضبط و پخش به هم نزدیک می‌شود، دشواری‌های خود را دارد؛ مثلاً ما الان روزی چهار ساعت استراحت داریم و خودتان شاهد هستید کار آنقدر فشرده است شاید موقع کار فرصت نشستن و حتی چایی خوردن را هم نداشته باشیم. ولی با وجود این سختی‌ها و فشرده‌گی‌ها، در کارهای مناسبی، به دلیل عشق به امام حسین (ع) است که کار می‌کنیم و شریک عزاداری‌های مردم می‌شویم و همین به ما انرژی می‌دهد .

بازیگر نقش زینب در ادامه می‌گوید: همین که برای محرم کار می‌کنیم، حال و هوای کار وارد زندگی



نفیسه روشن:

کار مناسبی شور و عشقی

در خود نهفته دارد که انرژی

خاصی به آدم می‌دهد و حال و

هوای محرم وارد زندگی

شخصی مان هم می‌شود



شخصی مان هم می‌شود و در این موقع است که حس زیبایی را تجربه می‌کنیم، حسی که شاید در سریال‌های روتین که زمان پخش خاصی ندارد، به آدم دست ندهد .

دوربین از زاویه دیگر جمع خانواده را برسر سفره می‌گیرد از پس از دیالوگ زینب که خدا را شکر می‌کند موقع آتش سوزی کسی در تکیه نبوده است، و حسین پسر حاجی از ناراحتی دیگران از این آتش سوزی می‌گوید. حاجی در جواب فرزندانش می‌گوید: حق دارند! بالاخره کلیددار تکیه ما بودیم .

و در ادامه، در حالی که می‌گوید «نگران نیستم، یقین دارم صاحب اصلی تکیه خودش مشکل رو حل می‌کنه» از جایش برمی‌خیزد و به سمت اتاق می‌رود. عالیہ همسرش با نگاهش حاجی را دنبال می‌کند و صدای حاجی از داخل اتاق می‌آید که بابت شام از عالیہ خانم تشکر می‌کند .

این پلان هم جزو سکانس ۲۰ است که در دکوپاژ



لطیفی از پلان‌های کوچک زیادی تشکیل شده است .

امین ایمانی ۹ سال است وارد دنیای حرفه‌ای بازیگری شده و اولین کارش را با سریال کلاه پهلوی شروع کرده است. او در اخراجی‌های ۲ و ۳ نقش متفاوتی ایفا کرده و تجربه کار با تهمینه میلانی را در فیلم «یکی از ما دونفر» در کارنامه خود دارد.

او در کارهای مناسبی تلویزیونی چون «سقوط یک فرشته» بهرام بهرامیان و «ملکوت» محمدرضا آهنج بازی کرده و به گفته خودش حضور پررنگی در جشنواره فیلم فجر امسال خواهد داشت . ایمانی از حضور در کار لطیفی و تجربه‌ای دیگر در کارهای مناسبی ابراز خشنودی می‌کند و می‌گوید: وقتی بازی در این سریال به من پیشنهاد شد خوشحال شدم، چون آقای لطیفی چه در زمینه تلویزیون و چه سینما کارنامه پرکاری دارد و در واقع از سرمایه‌های سینما و تلویزیون کشورمان هستند و برای من که در سینما و تلویزیون شاگردی می‌کنم، همکاری با چنین کارگردانی افتخار بزرگی است.

او ادامه داد: در این سریال، نقش حسین را بازی می‌کنم. پدری که به خانواده علاقه‌مند است. در واقع چون او بعد از ازدواج هم به اتفاق همسرش با پدر و مادر زندگی می‌کند، همین باعث بروز اختلافاتی بین پدر و همسرش می‌شود تا جایی که اتفاقاتی در ادامه داستان رخ می‌دهد و یک‌سری معادلات را به هم می‌ریزد که بهتر است موقع پخش مخاطب پیگیر آن شود .

این بازیگر درباره کار مناسبی می‌گوید: تا کنون در کارهای ماه مبارک رمضان حضور داشته‌ام ولی این اولین تجربه من در زمینه بازی در سریال‌های ویژه ماه محرم است که از چند ماه پیش از محرم، وارد فضای آن شده و به پیشسوازش رفته‌ایم و دروغ است اگر بگویم که این کار روی من تاثیر نگذاشته است .

وی ادامه می‌دهد: یکی از چیزهایی که در این سریال به آن پرداخته شده و بیشتر روی من تاثیر گذاشته است

تعزیه خوانی است، چیزی که متأسفانه زیاد به آن پرداخته نمی‌شود و روزه‌روز کمرنگ‌تر هم می‌شود و اهمیت این سریال تلفیق یک درام اجتماعی با مراسم مذهبی، سنتی تعزیه است که به آن بخوبی می‌پردازد.

دوربین در نمایی نزدیک حاج مرتضی را در قاب خود دارد که کت و شلوار و جلیقه خود را به تن کرده و قصد دارد بیرون برود. امیرعباس نوه حاجی جلو می‌دود و از او می‌خواهد برای محرم برایش زنجیر بخرد. حاجی که عروس و پسرش درگوشی صحبت می‌کنند، مورد خطاب قرار می‌دهد که سر سفره درگوشی صحبت نکنند و می‌گوید: سر سفره درگوشی صحبت کردن و پیچ پیچ کردن برکت رو از بین می‌بره . عروس خانواده که از این برخورد ناراحت می‌شود و با اخم پسرش را بغل کرده، با عصبانیت به او می‌گوید: تو دیگه کجا؟

لیلا بلوکات که در این سریال نقش نرگس عروس خانواده را بازی می‌کند معتقد است نقش عروس متفاوتی را ایفا می‌کند چرا که با افکار و عقاید و سنت گرایی‌های این خانواده مشکل دارد و از آنجا که می‌خواهد به‌روز زندگی کند، کمی با حاج مرتضای قصه درگیر است.

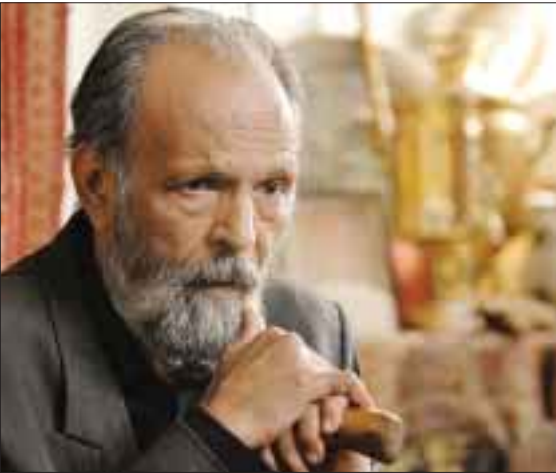
وی که زمانی برای عاشقی اولین تجربه‌اش با لطیفی است، از این همکاری ابراز خرسندی می‌کند و یکی از دلایل حضورش در سریال و پذیرفتن این نقش را حضور این کارگردان می‌داند. او درباره کاراکتر نرگس می‌گوید: نرگس شخصیتی پر از کنش و واکنش‌هایی است که من دوست دارم.

او که به بازی در کارهای مناسبی علاقه دارد، می‌گوید: باتوجه به این که ایفای نقش در کارهای مناسبی سخت است، اما کار برای ماه مبارک رمضان و محرم به دلیل ارادت خاصی که به فضای روحانی آنها دارم، به حال و هوا و علاقه‌ام نزدیک‌تر است و خوشحالم که پس از چند کار به مناسبت ماه رمضان برای اولین بار فرصت تجربه بازی در کاری به مناسبت محرم برایم ایجاد شده است.

سکانس ۲۰ در پلان‌های متعدد و از زوایای متنوعی گرفته می‌شود و ساعت ۱۰ شب همزمان با پایان کار، گروه لوکیشن را ترک می‌کنم.

در ادامه لطیفی با اشاره به مشکلات تولید، از کمبود زمان تولید گلایه می‌کند و ادامه می‌دهد: عوامل واقعا خسته هستند، چرا که ۵۰ روز است بی‌وقفه و بدون حتی یک روز استراحت و تعطیلی، زحمت می‌کشند و کار می‌کنند و ما نیز با تمام فشاری که داریم، این شرایط را تحمل می‌کنیم. نکته جالب این که با وجود همه این تلاش‌ها، باز ممکن است سریال به پخش نرسد.

به گفته لطیفی، کار تصویربرداری زمانی برای عاشقی تا عاشورا ادامه دارد. او می‌گوید: پنج قسمت اولیه سریال که توسط امیرشعبان خاقانی در حال تدوین است، تا چند روز آینده تحویل داده می‌شود، اما نگرانی اصلی ما، پخش هر شبی این سریال است. با تمام این اوصاف، امیدوارم بتوانیم کار را به پخش برسانیم.



موسیقی کارکردهای متفاوتی را همانند هر نماد ارتباطی دیگر در شرایط و زمان‌های مختلف و در مسیر برآوردن بخشی از نیازها و ایده‌آل‌های انسان به عهده دارد. گاهی هدف از استفاده موسیقی لذت، رسیدن به آرامش، سرگرمی، شادی، شور و نشاط و... است و گاهی مخاطب با انتخاب یک نوع موسیقی تلاش می‌کند راهی برای فراموش کردن مشکلات، دردها و ناراحتی‌های خود بیابد.

به طور کلی موسیقی بیانگر همه حالات روحی، احساسی و عاطفی یک ملت و جلوه‌ای از آداب، رسوم و تمدن فرهنگی ملت‌هاست، در حالی که نقش و کارکرد موسیقی در رسانه‌ها متفاوت است. با نگاه به تاریخ تاسیس رادیو در سال ۱۳۱۹، متوجه می‌شویم یکی از عناصر مهم در رادیو، موسیقی بوده است و نخستین متولیان رادیو از چند سال قبل از افتتاح رادیو در پی تهیه منابع موسیقی و امکانات لازم بوده‌اند، به طوری که در نوزدهم اسفند ۱۳۱۸ و در آستانه افتتاح رادیو، کمیسیون رادیو به خرید صفحات گرامافون از داخل و خارج کشور اقدام کرد.

با کمی تامل بر جریان‌هایی که رادیو از زمان تاسیس تاکنون پشت سر گذاشته، به اهمیت وجود و تاثیر موسیقی در جذب مخاطبان رادیو در شرایط رقابت پی می‌بریم؛ بنابراین آگاهی از علایق و سلیقه‌های مخاطبان بسیار ضروری است.

بدون شک موسیقی یکی از مهم‌ترین و موثرترین عوامل در برنامه‌سازی رادیوست که شناخت و به کارگیری صحیح آن نقش مهمی در برنامه‌سازی رادیو دارد. برنامه‌سازان رادیو باید با شناخت کامل از آثار موسیقی در برنامه‌هایشان استفاده کنند.

این روزها مباحث متعددی درباره برنامه‌های موسیقی محور رادیو مطرح است مباحثی مانند این که رادیو باید از حضور کامل و گسترده‌تری از کارشناسان عرصه موسیقی در برنامه‌های موسیقی محور خود بهره ببرد یا این که نیازمند افزایش این گونه برنامه‌ها با توجه به غنای موسیقایی در کشور ما و همچنین علاقه مخاطب به این حوزه است؛ در حالی که بسیاری از کارشناسان معتقدند موسیقی در رادیو شرایط خوبی دارد و فقط نیازمند بودجه مناسب‌تر در جهت استفاده کاربردی از کارشناسان بیشتر است.

عنصری پویا در رادیو

این موضوعات و همچنین جایگاه فعلی موسیقی در رادیو، میزان تنوع و تخصص آن در برنامه‌های مختلف، کیفیت و کمیت آثار موسیقایی، میزان توجه به موسیقی نواحی و اقوام، بهره‌گیری از آثار بی‌کلام و کیفیت آثار مناسبی در ایام ملی و مذهبی مباحثی هستند که

رسانه قدیمی است و به ویژه موسیقی‌های سنتی و اصیل مخاطبان زیادی را به خود جذب کرده‌اند.

با توجه به پویایی موسیقی و این که با گذشت زمان و به وجود آمدن تغییرات در جامعه، هنر نیز تغییراتی را می‌پذیرد و موسیقی به عنوان یکی از اصلی‌ترین گرایش‌های هنر از این تحول مستثنا نیست و نمی‌توان به طور مشخص به مشکلاتی که در زمینه برنامه‌های موسیقی محور رادیو وجود دارد، اشاره کرد.

این یک واقعیت است که مخاطبان انتظار بخش موسیقی‌های روز را در برنامه‌ها دارند و منتظرند تا در برنامه‌ها از صداها، سبک‌ها و آهنگ‌های متنوع و مختلف استفاده شود. طی سال‌های اخیر این اتفاق تا حدودی رخ داده و برنامه‌های موسیقی محور تنوع

موسیقی محلی پایه و پشتوانه موسیقی ماست. باید موسیقی محلی را جدی بگیریم و از آنجا که بسیاری از آثار موسیقی ما به شکل شفاهی به نسل‌های بعدی منتقل شده‌اند، در حال از بین رفتن هستند. موسیقی محلی به حمایت بیشتری از سوی رسانه ملی نیاز دارد. هر چند با توجه به گستردگی موسیقی محلی و بضاعت محدود رادیو، هر قدر هم در این حوزه فعالیت شود باز هم نمی‌توانیم به طور کامل همه مبانی این گونه موسیقایی را پردازش کنیم. این را بپذیریم که هر نوع کوتاهی در این زمینه شامل حال فرهنگ و هنر سرزمین ما خواهد شد.

در کنار شبکه‌های رادیویی پیام و آوا که به موسیقی

می‌شود. در این برنامه سعی می‌شود معرفی درستی از مقام‌ها صورت گیرد. هدف این برنامه چندان پژوهشی نیست و فقط معرفی قطعات نواحی و ترجمه آنها را مد نظر دارد. یعنی وقتی مخاطب مثلاً یک موسیقی آذری یا گیلانی را می‌شنود، متوجه فحوای کلام آن نیز شود و این موسیقی در چه تاریخی و با چه رویکردی و از سوی چه افرادی خلق شده یا شأن نزول آن چه بوده است.

امواجی که آرامش را انتقال می‌دهد

موسیقی از اصلی‌ترین عناصر برنامه‌سازی در رادیو به شمار می‌رود. به دلیل همین اهمیت، دغدغه همیشگی مسئولان و برنامه‌سازان رادیو تامین و تولید موسیقی بوده است، چه آن گاه که سال ۱۳۱۸



کدام موسیقی شنیدنی است؟

شبکه‌های رادیویی موسیقی فاخر ایرانی را مورد توجه قرار داده‌اند

کمیسیون رادیو برای تامین موسیقی این رسانه، ۳۰۰۰ صفحه از صفحات گرامافون را از داخل و خارج

جستجو می‌کند.

از جنبه تفریحی و پسند مخاطب عام می‌نگرند، رادیو فرهنگ از جمله شبکه‌هایی است که با محوریت توجه به موسیقی فاخر، اهداف آرمانی تری را در فرهنگسازی

جستجو می‌کند. برنامه «هفت اقلیم» در رادیو فرهنگ روزهای جمعه به موسیقی می‌پردازد. این برنامه بیشتر تحلیلی - خبری است و حول هنر موسیقی می‌چرخد. دست‌اندرکاران این برنامه با اهالی و استادان موسیقی، مباشران موسیقی و مسئولان ساماندهی برنامه‌های موسیقی در کشور گفت‌وگو می‌کنند. بخش‌های مختلف دیگری هم داریم که به موسیقی محلی، فیلم و... می‌پردازند.

همچنین برنامه «سرآهنگ» شنبه‌ها و دوشنبه‌ها از رادیو فرهنگ با رویکرد موسیقی محلی و نواحی پخش

یافته و حضور کارشناسان به شکل پژوهشی و بررسی حوزه‌های تخصصی در رادیو بیشتر شده است. شاید در گذشته پرداختن به برنامه‌های موسیقی محور به حضور افراد انگشت شماری محدود می‌شد، اما طی سال‌های اخیر کارشناسان و افرادی که در این حوزه شناخت دارند، حضور کامل‌تری دارند.

موسیقی اقوام از جمله زمینه‌هایی است که باید بیشتر از این مورد توجه قرار گیرد. رویکرد مخاطبان به این نوع موسیقی سلیقه‌ای و بیشتر متوجه فحوای کلام است، اما موسیقی محلی و مقامی با توجه به نوع کلام شکل گرفته، بنابراین کسانی می‌توانند از کلام موسیقی یک منطقه استفاده کنند که مربوط به آن منطقه باشند، در حالی که ما باید همه مخاطبان خود را در نظر بگیریم.

بررسی آنها می‌تواند در جهت دهی به مخاطبان و افکار عمومی نقش موثر داشته باشد.

بی‌تردید موسیقی از مهم‌ترین و موثرترین ابزار دست تهیه‌کننده‌ها در برنامه‌سازی رادیویی است. شناخت کاربرد و نقشی که موسیقی می‌تواند در برنامه‌ها داشته باشد از اصولی است که برنامه‌سازان رادیویی باید نسبت به آن آگاه باشند.

امروزه ثابت شده وقتی موسیقی از رادیو پخش می‌شود مخاطبان بیشتر به این رسانه توجه می‌کنند و با آن همراه می‌شوند. به همین دلیل مسئولیت عوامل برنامه‌ساز بیشتر می‌شود، چراکه باید شناخت کامل‌تری نسبت به موسیقی‌هایی که در برنامه‌های خود ارائه می‌کنند، داشته باشند. با این اوصاف برنامه‌های موسیقی محور رادیو جزو برنامه‌های پرمخاطب این

موسیقی محلی به حمایت

بیشتری از سوی رسانه ملی نیاز

دارد. هر چند نمی‌توانیم به طور

کامل همه مبانی این گونه

موسیقایی را پردازش کنیم

کشور تهیه می کند تا به گوش اندک شنوندگان خود برساند و چه اکنون که هر روز حجم بسیاری از آثار موسیقی کشور پس از بررسی های اولیه در اختیار تهیه کنندگان رادیو قرار می گیرد تا در قالب های گوناگون به گوش دوستداران بی شمار موسیقی برسد.

شاید از دلایلی که امروزه همچنان مردم از میان هیاهو و انبوه رسانه ها، رادیو را انتخاب می کنند، لذت و آرامشی است که از شنیدن موسیقی در فضایی خودساخته از نقش و رنگ و تصویر ذهنی به دست می آید. ژان میشل ژار که در ابداع و گسترش موسیقی الکترونیک در گستره جهانی نام و آوازه دارد، معتقد است موسیقی در فعالسازی تخیل شنونده نقش بی بدیلی دارد



و رادیو با استفاده صحیح از این ابزار تاثیر گذار می تواند پیوسته رسانه ای بی رقیب بماند.

دراین زمینه باید به کارکردهای موسیقی در رادیو توجه کرد. موسیقی در رادیو، کارکردهای متفاوتی دارد. گاه برای معرفی خود موسیقی استفاده می شود، گاه برای بیان حس و حالتی مفهومی شنیده می شود و گاه برای ایجاد یک فاصله و استراحت ذهنی به کار می رود. گاه اعلانی می شود برای آغاز و گاه نشانه برای پایان یک برنامه.

شبکه فرهنگ ۲۴ ساعته در همه ساختارهای برنامه سازی خود صرفا از موسیقی دستگاهی ایران، موسیقی کلاسیک جهان و موسیقی نواحی ایران بهره می برد و ضمن معرفی پدیدآورندگان این آثار در ارتقای ذوق هنری و موسیقایی مخاطبان برای خود مسئولیتی خطیر تعریف کرده و بر اجرای این تعهد استمرار و تاکید دارد.

یکی از شبکه های فعال رادیویی در عرصه موسیقی شبکه فرهنگ است که آیین نامه موسیقی این شبکه طی جلسات کارشناسی با حضور جمعی از اهالی فرهنگ و موسیقی کشور تدوین و تصویب شده است و موازین بخش موسیقی را در این شبکه مشخص می کند.

برنامه های موسیقی محور رادیو با حضور کارشناسان، آهنگسازان، خوانندگان و نوازندگان نامی کشور طراحی، تهیه و پخش می شود. حضور ناقدان موسیقی امروز ایران در برنامه ها این امکان را برای شنوندگان فراهم می کند تا با شیوه نقد موسیقی و فهم دقیق برای تشخیص تمایز موسیقی سالم از موسیقی سخیف آشنا شوند و خوشبختانه این نظارت و کنترل بر پخش موسیقی جدی در شبکه فرهنگ سبب شده است پیوسته در ارزیابی های مردمی و شورا های نظارت بر عملکرد موسیقایی سازمان، جایگاه مقبول و مطلوبی کسب کند.

همچنین پخش موسیقی های آیینی نواحی ایران که معرف باورها و آداب و رسوم اقوام مختلف ایرانی است، مخاطبان را با خرده فرهنگ های این سرزمین آشنا می کند و از این رو شنوندگان این شبکه طیف وسیعی از ساکنان اقصی نقاط ایران هستند که به شوق شنیدن و آشنایی با موسیقی منطقه خود این شبکه رادیویی را انتخاب می کنند.

شبکه فرهنگ با شش عنوان برنامه موسیقی محور با نام های نیستان، سرانگ، آوای سوگ (در مناسبت های سوگواری مذهبی)، هفت اقلیم موسیقی، شهر آشوب، گل های ایرانی در طول هفته و پخش ساعت ها موسیقی فاخر در فواصل برنامه به ذوق و ذائقه شنیداری مخاطبان فرهیخته خود ارج می نهد.

مخاطب چه چیز را ترجیح می دهد؟

در تولید یک برنامه در عرصه موسیقی معیارهای متعددی وجود دارد که برنامه سازان رادیویی سعی می کنند با توجه به خواسته های شبکه و مخاطبان حرکت کنند به همین دلیل بیشتر به موسیقی سنتی کشورمان و کلاسیک اروپا می پردازند.

برنامه های موسیقی محور همیشه در همه حال مخاطب دارند و اگر یک برنامه فقط موسیقی سنتی پخش کند شاید به نظر کسل کننده بیاید، اما بسرعت دارای تعداد زیادی مخاطب می شود.

با باید توجه داشت ساختن برنامه موسیقایی در رادیو کار سختی است. ما با سلایق متعددی روبه رو هستیم، هرچند تعداد برنامه ها کم است، اما در رادیو برای هر نوع سلیقه موسیقایی برنامه وجود دارد.

رادیو برخلاف رسانه های دیگر، مخاطب خوبی دارد و باید سعی کرد تا این مخاطب از دست نرود. رادیو باید به لحاظ کمی تعداد برنامه ها را افزایش دهد و شاید راه اندازی شبکه آوا پاسخ مناسبی به نیاز و تقاضای مخاطبان باشد.

مخاطب ترجیح می دهد موسیقی بشنود حتی اگر یک قطعه بی کلام باشد نه آن که درباره موسیقی برای او صحبت شود، اما یک نکته بسیار مهم است، این که اگر یک قطعه کوتاه پخش شود، حتما اسم آهنگساز، قطعه و سازها اعلام شود تا برای شنونده جذابیت خود را داشته باشد.

این را باید در نظر داشت که هنوز در راه شناخت موسیقی کلاسیک جهانی ضعیف است ناآشنایی تهیه کننده ها با آثار کلاسیک جهانی را اصلی ترین این ضعف است و این که مدیر شبکه ها چندان به پرداختن به این سبک موسیقایی از خود نشان نمی دهند. این بی علاقی ها سلیقه ای است و شاید ربطی هم به ممیزی ها نداشته باشد، چراکه اصولا ممیزی دست و پا گیری در رادیو وجود ندارد.



یکی از دلایلی که امروزه

همچنان مردم از میان هیاهو و

انبوه رسانه ها، رادیو را انتخاب

می کنند، لذت و آرامشی است

که از شنیدن موسیقی

به دست می آید



موسیقی، اصلی ترین عنصر نیست

برنامه های موسیقایی رادیو از نگاه امیر حسین محمودی

گرفته از بین برو، بنابراین در این نوع برنامه ها نباید موسیقی پخش شود.

او با بیان این که تعداد برنامه موسیقی محور رادیو محدود، اما باکیفیت است، اضافه می کند: با توجه به غنای موسیقی کشور ما و علاقه مندان بی شمار این حوزه باید تعداد برنامه های تخصصی در حوزه موسیقی افزایش پیدا کند. همچنین باید انواع سبک ها و جریان های موسیقی در دنیا را پردازش کرد، بنابراین بهتر است تنوع این برنامه ها را به لحاظ محتوایی بیشتر شود.

به گفته محمودی، رادیو بیشتر به موسیقی کلاسیک و سنتی کشورمان می پردازد و کمتر مثلا موسیقی جاز یا موسیقی ملل مختلف را مورد بررسی قرار می دهد.

او درباره موسیقی سنتی می گوید: موسیقی اقوام و نواحی هم با توجه به این که گستردگی عمیقی دارند باید بیشتر و بهتر مورد توجه برنامه سازان قرار بگیرند. ما به اشتباه به موسیقی به عنوان عنصر جذب مخاطب توجه کردیم، بنابراین همیشه سعی داشتیم ریتم های تند، شاد و جذاب تر را پخش کنیم تا مخاطب بیشتری با ما همراه شود. این سبب شده برنامه سازها به موسیقی پاپ روی بیاورند که عموما محتوای آنچنانی ندارند.

این تهیه کننده ادامه می دهد: ما باید به فکر ارتقای سطح سلیقه مخاطبان باشیم و حتی اگر فقط به دنبال شاد کردن مخاطب هستیم، موسیقی های محلی از ویژگی های خوبی در این زمینه برخوردار هستند، بنابراین می توانند بیشتر مورد توجه قرار بگیرند.

محمودی درباره پوشش همه سلیقه های موسیقایی می گوید: اگر بخواهیم همه سلیقه ها را پوشش دهیم باید خیلی کمتر به موسیقی پاپ بپردازیم، ضمن آن که ما به عنوان تاثیر گذارترین رسانه کشور بهتر است بیشتر از آن که به فکر پوشش تمام سلیقه ها باشیم خودمان سلیقه ساز شویم.

بنابراین باید در برنامه ریزی های کلان صدا و سینما این بحث مطرح شود که چگونه سلیقه جامعه را بسازیم و هدایت کنیم. ما باید به گونه ای برنامه ریزی کرده باشیم که بدانیم مردم ما قرار است در پنج یا ده سال آینده چه نوع موسیقی را گوش دهند و در راهی گام برداریم که به عنوان تاثیر گذارترین رسانه، سلیقه مردم کشورمان را در ده سال آینده ارتقا دهیم.



همیشه امکان ارتقا وجود دارد

رادیو فرهنگ، فضای گسترده‌ای برای به کارگیری موسیقی محلی و مقامی ایجاد کرده است



نجیبه معصوم زاده
مدیر گروه طرح و تولید رادیو فرهنگ

خوشبختانه موسیقی نه تنها یکی از مواد مصرفی در برنامه‌سازی، بلکه به عنوان یکی از موضوعات ویژه در برنامه‌های رادیو جایگاه خاصی دارد. ما برنامه‌های موسیقی محوری داریم که هدفشان پخش موسیقی ناب و ارتقای ذائقه موسیقایی مخاطب است و فکر می‌کنم بیشتر شبکه‌های رادیویی با توجه به وظایفشان چنین فضایی را برای موسیقی در نظر گرفته‌اند. به عبارتی جایگاه موسیقی در رادیو را خوب و حرفه‌ای ارزیابی می‌کنم.

گونه‌های متعدد موسیقی در شبکه‌های مختلف با توجه به نوع مأموریتشان به مخاطب ارائه می‌شود و ما موسیقی‌های متنوعی را از رادیوهایی همچون آوا، پیام، فرهنگ و جوان می‌شنویم. شبکه‌ها راهبرد موسیقی دارند و بر مبنای آنها نواهای مختلف را انتخاب و پخش می‌کنند؛ در واقع آنچه ما به عنوان موسیقی ارزشمند از آن یاد می‌کنیم.

موسیقی دو کارکرد دارد که استفاده از آن برای برنامه‌سازی در رادیو یک کارکرد محسوب می‌شود. در مواردی که ما برای انتقال مطلب نیاز داشته باشیم موسیقی محلی استفاده کنیم به طور حتم از این گونه موسیقی بهره می‌بریم و در بسیاری از شبکه‌ها، موسیقی محلی در برنامه‌های موسیقی محور و همچنین در دیگر برنامه‌ها شنیده می‌شود.

مثلا رادیو فرهنگ، فضای گسترده‌ای برای به کارگیری موسیقی محلی و مقامی ایجاد کرده است. سعی تهیه‌کنندگان افزایش کمی و کیفی موسیقی در رادیوست، اما نکته این است آیا امکان دارد شرایط بهتری برای عرضه این نوع موسیقی فراهم شود؟ باید بگویم همیشه امکان ارتقا وجود دارد و ما باید بر این اساس حرکت کنیم.

آرشیو معاونت صدا به طور منظم آلبوم یا مجموعه‌های مناسبی را به مجموعه‌های قبل اضافه می‌کند. دقیقا نمی‌دانم تعداد قطعات موجود در آرشیو ما چقدر است. فقط می‌دانم در کنار مجموعه‌هایی

که به آرشیو اضافه می‌شود آلبوم‌های مناسبی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد و حتی آرشیو جلوتر از مناسبت‌ها حرکت می‌کند. مثلا قطعات انتخابی برای ایام محرم، دهه فجر، ویژه نوروز و... از چند هفته پیش در اختیار برنامه‌سازها قرار می‌گیرد، البته این قطعات علاوه بر موسیقی‌هایی است که تاکنون در آرشیو وجود داشته و از رادیو پخش شده است.

تهیه‌کنندگان با ذوق که حساسیت بیشتری دارند با دقت و وسواس از این آلبوم‌ها استفاده می‌کنند بویژه برنامه‌سازی که در زمینه تولید برنامه‌های موسیقی محور مشغول هستند. البته برخی تهیه‌کنندگان هم سراغ این مجموعه‌های جدید نمی‌روند که علت را باید از خودشان جویا شد، هرچند این موضوع به معنای

نبرد کیفیت کافی در برنامه‌هایشان نیست. به هر حال رادیو قطعات مورد نیاز تهیه‌کنندگان را به آنها ارائه می‌کند.

همچنین برنامه «گل‌های ایرانی» به بازپخش مجموعه گل‌ها اختصاص یافته است و به عنوان برنامه‌ای موسیقایی برای مخاطب نوستالژی به همراه دارد. گل‌ها مجموعه‌ای از برنامه‌های موسیقایی است که از دهه ۳۰ تولید و پخش آن از رادیو شروع شد و تا اواسط دهه ۵۰ نیز ادامه یافت که شامل برنامه‌هایی چون یک شاخه گل، گل‌های جاویدان، گل‌های رنگارنگ، برگ سبز و گل‌های صحرایی بود. به این ترتیب رادیو، بنیانگذار تولید موسیقی فاخر در کشور است. در این برنامه آثار خوانندگان و نوازندگان

طراز اول ایران را می‌شنویم؛ به عنوان مثال نمونه‌هایی از آثار ابوالحسن صبا، حسین یاحقی، پرویز یاحقی، جلیل شهنار، بنان و تاج اصفهانی.

فکر می‌کنم مجموعه گل‌ها حدود ۱۵۰۰ برنامه را در بر بگیرد. ما این قطعات را با یکسری اصلاحات که عمدتا شامل اصلاح از نظر کیفیت فنی می‌شود به پخش می‌رسانیم، چراکه این آثار بسیار قدیمی هستند و ما باید آنها را بازشنوی کنیم و با کیفیت فنی مناسب به گوش مخاطب برسانیم. تا حد امکان تغییری در قطعه ایجاد نمی‌کنیم و سعی داریم اصالت کار حفظ شود. همچنین تنوع را در انتخاب‌های خود در نظر داریم و از آهنگسازان، خوانندگان و مجموعه‌های متفاوت متعلق به ادوار مختلف استفاده خواهیم کرد.

موسیقی، نیازمند تحول آکادمیک

عبدالرضا مجدی / کارشناس پژوهش هنر و موسیقی

ما می‌توانیم درباره موسیقی، یک بحث کاملا فنی و آکادمیک داشته باشیم؛ اما متأسفانه به دلیل نبود بنیان‌های غنی در دانشگاه‌ها، رشته‌ای با عنوان موسیقی‌شناسی نداریم و دانشجویان فارغ‌التحصیل رشته موسیقی تکلیف خودشان را نمی‌دانند. آیا نوازنده هستند یا کارشناس؟ در اروپا رشته‌هایی در دانشگاه وجود دارد که هدفشان معرفی موسیقی به مردم است. البته چند نمونه کتاب در این زمینه مثلا از مرحوم فروغ سعدی حسنی چاپ شده است، اما فکر نمی‌کنم کسی دیگر او را بشناسد، چراکه موسیقی کلاسیک دیگر جایگاه گذشته را در رادیو ندارد.

سعدی حسنی، آغازگر معرفی موسیقی کلاسیک ایرانی به قشر روشنفکر بود. البته ما از کسی که متعلق به نسل دوره پهلوی است انتظار نداریم موسیقی مقامی را معرفی و جمع‌آوری کند، چون به هر حال در آن زمان بیشتر به موسیقی کلاسیک توجه می‌شد. فوزیه مجد سال ۵۴ آغاز به ضبط کردن آثار مقامی کرد و در سال ۵۴ و ۵۵ تلویزیون یکسری کارهای مقامی پخش کرد، اما این ماجرا به دلیل تحولات اجتماعی مانند انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی ادامه نیافت و جریان رسانه ملی با توجه به نیاز مخاطب به سمت پخش موسیقی‌هایی با مضمون و رویکرد مقاومت رفت.

سعدی حسنی در آن سال‌ها موسیقی جدی را معرفی می‌کرد و سپس مهدی فروغ این را با کتاب‌های چون «مردان موسیقی» ادامه داد و باخ، بتهوون، برانش و... را معرفی کرد. در دانشگاه هم بهتر است رشته‌هایی

وجود داشته باشد که به معرفی رشته‌های مختلف موسیقی بپردازد. مثلا رشته discography «شناخت صفحات موسیقی» یعنی آنچه ضبط شده است؛ اما ما چنین رشته‌ای را در دانشگاه‌هایمان دنبال نمی‌کنیم.

بزرگ‌ترین رادیوهای جهان آرشیوهای بزرگ و وسیعی از موسیقی‌های مختلف در سراسر جهان دارند و این آرشیوها مدام به روز می‌شوند، اما مشکل این است که اولاً بسیاری از این صفحات ترمیم نشده‌اند به همین دلیل ممکن است چسبندگی پیدا کرده یا شکسته شده باشند و بحث‌هایی مانند این که کدام ارزش ترمیم و به روز شدن دارد مطرح می‌شود؛ یعنی افرادی که با این حوزه آشنایی دارند باید بتوانند به این مکان دسترسی داشته باشند تا بتوانند سره از ناسره را تشخیص دهند. این که رادیو برنامه «گل‌های ایرانی» را همچنان پخش می‌کند اتفاق خوشایندی است، چراکه برای مخاطب نوستالژی دارد اما به نظرم کافی نیست و باید در پی آن تحلیل بیاید تا به فرهنگسازی برسیم.

رادیو فرهنگ نسبت به دیگر شبکه‌های رادیو نگاه کامل و تخصصی‌تری به موسیقی دارد، مثلا رادیو پیام عام‌تر به موسیقی نگاه می‌کند. مشکل از همین جا یعنی جدل و تقسیم‌بندی بین گروه‌ها آغاز می‌شود؛ گروهی معتقد بودند باید کاملا تخصصی به موسیقی پرداخت و جریانی که «روبن گریگور-یان» و «پرویز محمود» به وجود آورده بودند دنبال کنند که این کشمکش در عرصه رسانه هم وجود داشت.

اما درباره موسیقی ملی هم باید هدف مشخصی را دنبال کنیم، این که باید چه شاخصه‌هایی داشته باشد که بتواند همچنان با تغییرات

روز مخاطب خود را حفظ کند. موسیقی سنتی ما دچار پدیده جدیدی با عنوان موسیقی تلفیقی شده است، اما رسانه بدون تحلیل به این ژانرهای جدید می‌پردازد.

اما یکی از محدودیت‌های رسانه در پخش موسیقی‌های مناسبی است، چراکه ما نیاز به موسیقی‌های مناسب و با کیفیت ملی و مذهبی بیشتری برای پخش داریم و در انتخاب و پخش موسیقی‌هایی که کیفیت مناسبی داشته باشد، محدودیت داریم. گاهی وقت‌ها برنامه‌های ما به مناسبت اعیاد و سوگ‌ها الزام‌آور می‌شوند که به نظرم کیفیت این موسیقی‌ها دست خود ماست و برنامه‌سازان رادیویی باید کمی کار را جدی‌تر بگیرند.

واقعیت است که تا در دانشگاه‌ها و هنرستان‌های خود تحولی علمی و تخصصی ایجاد نکنیم، نباید توقعی از برنامه‌ریزان رسانه‌ای داشته باشیم. معتقدم اگر قرار است مثلا موسیقی پاپ از رادیو پخش شود باید حتما معرفی و تحلیلی هرچند کوتاه از موسیقی پاپ به مخاطب ارائه شود. شاید بگویم مخاطبان علاقه به دانستن زوایای تخصصی یک موسیقی ندارند و فقط به دنبال حال خوشی هستند. شاید واقعا این طور باشد، اما اگر ما در میان مخاطبان مان تنها چند نفر را داشته باشیم که به دانستن شناسانه و تحلیلی از موسیقی علاقه‌مند باشند موظف به ارائه این نکات هستیم، چراکه همین چند نفر علاقه‌مند و آگاه هستند در آینده عامل اثر در سیاست‌های هنری و فرهنگی خواهند شد.

درباره میزبانی هم معتقدم که باید حتما وجود داشته باشد و اصلا امکان ندارد که آثاری را بدون میزبانی و بررسی‌های لازم پخش کنیم، اما میزبانی براساس مضمون است نه ساختار، در واقع میزبانی بر اشعار صورت می‌گیرد نه ساختار. در حالی که مشکل در ساختار بروز می‌کند نه فقط در شعر. منظورم ساختار انتزاعی موسیقی یعنی فواصل، ریتم و شیوه اجراست.

کمدی شکلی از داستان‌گویی است و باید از ساختار و نظم منطقی مشخصی برخوردار باشد. خواه این اثر هجویه‌ای بدون شور و شوق باشد یا یک مضحکه، چه بسا به واسطه دست گذاشتن بر موضوعات جدی از دریچه شوخی در این نوع آثار باید جانب احتیاط را بیش از پیش رعایت کرد و با استناد به اصول داستان‌نویسی و قصه‌گویی، دلیلی محکم و منطقی برای لحظه‌های کمیک اثر ارائه کرد. نویسندگان کمیک بخوبی می‌دانند با زبان پند نمی‌توان مردم را نسبت به برخی خصوصیات منفی اخلاقی آگاه کرد یا آنان را از حقیقت‌هایی که پیرامونشان می‌گذرد باخبر ساخت اما به سخره گرفتن و بی‌اهمیت جلوه دادن صفات بد، راهکار مناسب‌تری برای ایجاد تعادل در نظر آنان است. کمدی همچنین فرمی ساده دارد. اگر تماشاگر بخندد، و به فکر فرو رود؛ کمدین موفق عمل کرده است و اگر نه، باید او را در این راه شکست خورده دانست. بنابراین شاید اینجا نقد بی‌معنی به نظر برسد، زیرا موفقیت و شکست در این حیطه با یک معیار ساده و از جانب عموم مردم، قابل درک و دریافت است.

نویسنده کمدی غالباً نهاد اجتماعی خاصی را که احساس می‌کند دچار زنگار بی‌تدبیری شده است، نشانه می‌رود و نهاد هدف نقد قرار گرفته نیز معمولاً از عنوان فیلم برمی‌آید. اگر جامعه‌ای نتواند نهادها و آداب و رسوم خود را مورد نقد قرار دهد، قادر به خندیدن نیست. کمدی در ذات خود هنری خشمگین و ضداجتماعی است. به همین دلیل است که نویسنده کمدی در گام نخست از خود می‌پرسد من از چه چیزی خشمگین هستم و قرار است کدام ویژگی منقور اجتماعی یا اخلاقی و کدام نهاد و سازمان را نشانه بگیرم، بنابراین تعیین هدف در کمدی حرف اول را می‌زند. داشتن ذهن دغدغه‌مند نسبت به محیط پیرامونی و انگیزه قوی اولیه برای دست به قلم بردن، از مهم‌ترین ویژگی‌های یک کمدین است. او همچنین باید بتواند از موقعیت‌هایی بظاهر عادی، تعریف نامتعادل و غیرعادی ارائه کند. درواقع یک کمدین با برعکس کردن موقعیت‌ها سعی در برانگیختن خنده و تفکر مخاطب دارد. از این‌روست که می‌توان کمدی را یک خنده تلخ دانست. هرچند باید کمدی و طنز را هم تفکیک کرد و دومی را دارای رویکرد و هدفی نقادانه‌تر و بر پایه دغدغه‌های انسانی و اجتماعی گسترده‌تری دانست.

درام‌نویسی اما در ستایش انسانیت است و این پیام را در خود دارد که روح بشر در هر شرایطی شکوهمند و ستودنی است. درام، بیننده به آینده چنگ می‌اندازد و دائم می‌خواهد بداند عاقبت ماجرا چیست، اما کمدی به نویسنده امکان می‌دهد حرکت پیش‌رونده داستان یا ذهن پیشگویانه بیننده را متوقف و صحنه‌ای را وارد قصه کند که هیچ نوع هدف یا منظور داستانی ندارد و صرفاً برای خنده طراحی شده است.



چند امتیاز امیدوارکننده و مشکلات تکراری

نگاهی به ۳ فیلم تلویزیونی که هفته گذشته روی آنتن رفت



محمدرضا لطفی

تعطیلات هفته گذشته به دلیل تقارن با عید غدیر، رنگ و بوی خاصی برداشت و غالب آثار، شاد و مفرح بودند. از پخش فیلم تحسین شده «هوگو» تا فیلم سینمایی قدیمی اما جذاب «دو نفر و نصفی» و «زرد قناری» همگی از این موضوع حکایت داشتند که نیت مدیران، پر کردن اوقات فراغت مخاطب به شکل مناسب برای عید غدیر بوده است.

همچون گذشته در کنار فیلم‌های سینمایی ایرانی، نسخ فیلم شده سریال‌ها، حتی تله‌فیلم‌های شبکه نمایش خانگی (که در تلویزیون ساخته نشده‌اند)، فیلم‌های خارجی و آثار انیمیشن، سهم عمده‌ای از محصولات نمایشی به فیلم‌های تلویزیونی یا همان تله‌فیلم‌ها تعلق داشت که در این یادداشت به تعدادی از آنها خواهیم پرداخت، با این تفاوت که در این شماره صرفاً به آثاری که تولیدات سیمای استان‌هاست، می‌پردازیم که ظاهراً دوستان فکر می‌کنند کمترین نگاه و توجهی به آنها نمی‌شود.

زانیار: این فیلم تلویزیونی ظهر جمعه سوم آبان ساعت ۱۳ و ۳۰ دقیقه از شبکه شما روانه آنتن شد؛ فیلمی به کارگردانی حمیدرضا لوفی و تهیه‌کنندگی غلامحسین مجبی که از تولیدات سال ۸۹ صداوسیما مرکز کرمانشاه به شمار می‌رود و در آن ابراهیم مرادی، مریم عطیه میرزایی، سیروس بری و برومند کرانی ایفاگر نقش‌های اصلی هستند و داستان آن نیز درباره اهالی روستای زانیار است که هر کدامشان سر در لاک خود فرو برده‌اند و فقط به منافع خود فکر می‌کنند. با ورود کامران، مهندس جهاد کشاورزی، روستاییان بر سر دو راهی جدی قرار می‌گیرند. کامران که از طریق دایی‌اش به این روستا فرستاده شده ماموریت دارد ظرف سه روز، موافقت روستاییان را برای طرح یکپارچه‌سازی زمین‌های کشاورزی جلب کند. انجام این ماموریت برای کامران که آینده شغلی‌اش در گرو موفقیت در این روستاست، اهمیت زیادی دارد. کرمی رئیس شورای روستا تلاش می‌کند موافقت مخالفان را جلب کند، اما تلاش او بی‌اثر است.

زانیار پسر از ضعف و ایراد است، فیلمنامه و ریتم مشکل اساسی دارد. فاقد جذابیت کامل برای مخاطب تلویزیون در ظهر یک روز تعطیل است، اما دو امتیاز بسیار بزرگ دارد که حتی پراده‌ترین تله‌فیلم‌ها هم فاقد آن هستند. نخست آن که بدرستی از بازیگران استانی و محلی استفاده کرده و در عین حال که فضا را به سمت بومی‌سازی و به نوعی فضای مستند

برده، فرصت بسیار خوبی را هم در اختیار نیروهای جوان و مترصد موقعیت قرار داده تا با کسب تجربه بتوانند مسیر خود را پیدا کنند.

این یک حرکت بسیار ارزشمند و قابل ستایشی است که به هر دلیلی - اعم از کمبود بودجه یا واقعا به نیت کشف استعداد - در تولیدات استان‌ها به بازیگران بومی فرصت عرض اندام داده شود و زانیار نیز با هوشمندی این مهم را به انجام رسانده است.

اما نکته مثبت بعدی و اصلی‌ترین، این است که زانیار از انگشت شمارترین تولیدات استان‌هاست که به معنای واقعی جغرافیا کارکرد درستی دارد.

در کمال تأسف بیش از ۹۰ درصد تولیدات استان‌ها، نویسندگان و طراحان برای گرفتن تصویبیه در این مراکز، شهر و استان مورد نظر را به زور به قصه سنجاق می‌کنند که هیچ ربط و فضایی هم نمی‌دهد، اما زانیار جغرافیا دارد و مختص خود است. این دو هوشمندی و ظرافت نگاه باعث می‌شود براجتی از بسیاری از ایرادهای فیلم بتوان چشم پوشید.

امید: فیلمی به کارگردانی فرزین مهدی‌پور و تهیه‌کنندگی بهرام صادقی مزیدی که پنجشنبه دوم آبان ساعت ۲۳ از شبکه شما پخش شد.

امید از تولیدات سال ۱۳۸۶ صداوسیما مرکز یزد است که در آن علیرضا صادقی، محمدرضا یآوری، فریبرز سمندری‌پور و رضا ضیایی ایفاگر نقش‌های اصلی هستند و داستان آن درباره صادق، دانشجوی سال آخر رشته شیمی است. وی در تلاش برای تولید کاشی نمونه‌ای است که هم از لحاظ اقتصادی و هم از نظر تکنیکی بسیار به صرفه باشد. صادق طرح خود را به یک کارخانه کاشی‌سازی ارائه می‌کند، ولی با مخالفت و سختگیری بعضی اعضای شورای مدیریت این کارخانه روبه‌رو می‌شود. در همین حین صادق با استاد کهنسال و تنها کاشی‌ساز سنتی به نام استاد خواجه‌نیا آشنا می‌شود و با تلاش و کوشش و استفاده از تجربیات استاد خواجه‌نیا می‌تواند به فرمول‌های جدیدی از ساخت کاشی دست یابد و...

«امید» فیلمی است که متأسفانه شعار بدجوری ترمز حرکت آن را گرفته است. با این که فیلم قصه بدی ندارد و می‌توانست مخاطب را سرگرم کند و حتی در لحظاتی دایره جهان‌بینی‌اش به بخش عظیمی از جامعه تعمیم داده می‌شد، اما شعارگویی مستقیم در فیلم، اثر را ضعیف کرده است.

در این زمینه نباید فراموش کرد هدف اول یک فیلم تلویزیونی سرگرم‌سازی مخاطب است و پیام و فرهنگ‌سازی در لایه‌های بعدی قرار دارد که این لایه

بعدی به معنای بی‌اهمیت بودن آن نیست، بلکه این پیام زمانی درست عمل می‌کند که مخاطب سرگرم شده باشد و سپس در ناخودآگاه خود به پیام مورد نظر تولیدکنندگان برسد. متأسفانه وقتی برای گرفتن صددرصدی کد تولید، فیتله پیام را بالا می‌کشیم و آن را به لایه اول منتقل می‌کنیم و اولویت را به آن می‌دهیم، نتیجه این می‌شود که پیام به شعار تبدیل می‌شود و با محصولی مواجه هستیم که نه سرگرم و نه فرهنگ‌سازی می‌کند و نه پیام درستی می‌دهد و این بزرگ‌ترین ضعف فیلم تلویزیونی امید است.

روز از نو، روزی از نو: فیلمی به کارگردانی محمدجواد مرادی و تهیه‌کنندگی مشترک محمدجواد مرادی و سیداشرف طباطبایی که پنجشنبه دوم آبان ساعت ۱۳ و ۳۰ دقیقه از شبکه شما پخش شد.

در این فیلم ایمان افشاریان، سوده شرعی، مسعود شریف و علی مقصودی ایفاگر نقش‌های اصلی بودند و داستان آن درباره دزدی خرده‌پا به نام سیروس است که از همه جا رانده به دنبال دزدیدن کیف پیرزنی راهی زندان شد و آنجا برای دزدی از خانه پیرمردی متمول اجیر می‌شود. او پس از آزادی همراه مراد، برادر همسر و همکاری در کسوت نظافتچی به استخدام شرکتی خدماتی درآمدت نامه نقشه ورودی به خانه همایون پیرمرد ثروتمند را عملی کند، اما...

این فیلم از تولیدات سال ۱۳۹۰ صداوسیما مرکز فارس است و یک امتیاز بزرگ و دو ضعف عمده دارد.

نکته مثبت فیلم، قصه‌گویی آن است که قصد دارد تماشاگر را سرگرم کند و با خود به دل قصه بکشد، اما همین موضوع به دلیل نگاه سطحی و بی‌بهره بودن از شخصیت‌پردازی صحیح باعث شده خود به یکی از نکات منفی کار تبدیل شود. در کنار این موارد برخوردار نبودن از فضا و جغرافیا باعث شده کار لطمه بخورد و نتواند هویت داشته باشد.

متأسفانه در این فیلم شخصیت‌پردازی نادرست، چراهای بی‌جواب زیادی به وجود آورده که حرکت و کنش شخصیت‌ها بیشتر از روی تاکید نویسنده است و برای رسیدن به مقصود نهایی و نه لزوم کارکرد شخصیت طراحی شده و همین، کار را سطحی کرده است. در ضمن این نگاه سطحی در فیلمنامه به کارگردانی هم سرایت و اثر را کسل‌کننده کرده است.

متأسفانه مشکل شخصیت‌پردازی در فیلم‌های تلویزیونی یکی از معضلات اساسی در این کار به شمار می‌رود و باید فکری اساسی به حال آن کرد.

پای قفسه‌های یک کتابخانه شنیداری

در گروه فرهنگ و هنر شبکه رادیویی تهران چه می‌گذرد؟

مریم کریمی



شبکه رادیویی تهران سال ۹۲ با مدیریت شهیار ضیاء آذری، تغییراتی در رویکردهای خود به وجود آورده که یکی از این تحولات، ایجاد گروه فرهنگ و هنر در این شبکه رادیویی است. پوریا معلم، مدیر گروه فرهنگ و هنر رادیو تهران که از سال ۷۳ به‌عنوان سردبیر با گروه ادب و هنر شبکه سراسری رادیو کار خود را آغاز کرده، پیش از این کارمند رسمی روزنامه کیهان و دبیر ادبی صفحات ادب و هنر این روزنامه بوده است. او با راه‌اندازی بخش ادب و هنر رادیو ۲ (رادیو فرهنگ فعلی) کار خود را با رادیو آغاز و در رادیو سراسری به‌عنوان مدیر گروه ادب و هنر فعالیت کرد. از سال ۸۴ به‌عنوان مدیر گروه شامگاهی وارد رادیو تهران شد و مدیریت استودیو صدای شهر رادیو تهران را نیز به عهده گرفت. برنامه‌های مرتبط با کتاب رادیو تهران را از زبان وی می‌شنویم.

با آغاز به کار مدیریت جدید شبکه رادیویی تهران، گروه شامگاهی از ابتدای سال به‌طور تخصصی با عنوان گروه فرهنگ و هنر هر روز از ساعت ۲۱ تا ساعت ۲ و ۳۰ دقیقه بامداد به تولید و پخش برنامه می‌پردازد.

طی یکی دو سال اخیر، طراحی محتوایی را آغاز کردیم. طراحی محتوایی سال ۹۲ در حوزه فرم اینچنین بود که کتاب شنیداری را تولید کنیم، یعنی بخش تولیدی داشته باشیم که به تهیه و تولید کتاب‌های شنیداری می‌پردازد. در زندگی ماشینی این روزها، مردم کمتر وقت و حوصله کتاب خواندن دارند، اما در فاصله ساعتی که در ترافیک هستند یا ساعتی که مشغول کارند، می‌توانند کتابی را به شکل شنیداری مرور کنند. این کار از چند جنبه حائز اهمیت است، علاوه بر هماهنگی با ریتم زندگی امروز و آموزش غیرمستقیم شنوندگان، ذخایر مناسبی برای آرشیو معاونت صدا محسوب می‌شود.

بسیاری از مولفان به رادیو دعوت می‌شوند و کتاب خود را به شکل شنیداری روایت می‌کنند. این جنس از برنامه‌ها با زمان‌های کوتاه از پنج تا ۱۵ دقیقه، با موضوع معین از نقطه‌ای آغاز و در نقطه‌ای معلوم به فرجام می‌رسد.

برنامه‌های تولیدی

علاوه بر برنامه‌های عمده ما که به شکل زنده روی آنتن می‌رود (همانند برنامه «چراغ» که از ساعت ۲۱ تا ۲۳ و ۳۰ دقیقه پخش می‌شود) ما پنج بخش تولیدی داریم که هر ۳۰ دقیقه روی آنتن می‌رود و کارشناس برنامه نیز موظف است در هر نیم ساعت موضوع گردانی کند. در این برنامه، برنامه‌سازان هر شب با یک موضوع، محتوا، ساختار و عوامل مجزا به تهیه و تولید برنامه اهتمام می‌ورزند. مثلاً چراغ شب‌ها درباره سینما و تئاتر است و هر نیم ساعت برنامه تغییر محور و موضوع می‌دهد.

نیم ساعت نقد فیلم، نیم ساعت دیگر تئاترهای روی صحنه و نیم ساعت دیگر ... همچنین با توجه به این مهم که یکی از اولویت‌های پایتخت، هوای سالم و تمیز است، برنامه یکشنبه‌ها به دوستداران محیط‌زیست و طبیعت اختصاص دارد. برنامه‌های چراغ دوشنبه‌ها با موضوع نجوم روی آنتن می‌رود تا یادآور شود هر از گاهی به دشت و کویر برویم و با آسمان آشتی کنیم و نظاره‌گر آن باشیم. سه‌شنبه‌ها نیز فرهنگ و ادب معاصر را داریم که به داستان‌ها و تازه‌های نشر در حوزه ادب و فرهنگ می‌پردازد و ضمن نقد آثار، با نویسندگان گفت‌وگو می‌کند.

با توجه به ادبیات غنی کشورمان و سابقه درخشانی که فرهنگ این مرز و بوم دارد، چهارشنبه‌ها تاملی بر ادبیات کلاسیک و کهن داریم تا کتاب‌ها و آثار

آهی و سعید بارانی هستند. این مجموعه در بخش‌های متنوع و با حضور کارشناسان مرتبط به ارائه تازه‌ترین اخبار سینمایی، ادبی، هنری و فرهنگی می‌پردازد.

با توجه به نزدیکی ماه محرم و ایام سوگواری ابا عبدالله‌الحسین (ع) گروه فرهنگ و هنر مجموعه «شب‌نم» و «شقایق»، «مقتل‌خوانی»، «خورشید بر نیزه» و شماری دیگر از آثار را در دستور کار خود دارد که امیدواریم مورد مقبول طبع مخاطبان صاحب نظر این شبکه رادیویی باشد.

برنامه‌سازی توام با تحول

برنامه‌های گروه فرهنگ و هنر شبکه رادیویی تهران، چنان طراحی شده که همواره بتوان درون برنامه را با تغییرات بسیاری هماهنگ کرد، بدون این که قالب و عنوان آن به تغییر نیاز داشته باشد.

این طراحی به آن دلیل است که با توجه به ضرورت‌های روز، بدون تغییر برنامه، همسان و هماهنگ باشیم، زیرا برنامه در ذهن مخاطب جای گرفته و با آن عجین شده است.

کتاب‌های صوتی با قواعد روز آمد

در فصل کتاب‌های صوتی ما برای تولید محدودیتی نداریم و قاعده‌هایی برای کار چه در فرم و چه در محتوا وضع شده است. به‌عنوان مثال یکی از شروط کار در قالب یکی این است که برنامه باید مبتنی بر روایت کارشناس باشد و به هیچ روی از گوینده در این زمینه استفاده نشود. به این ترتیب اگر قرار باشد اندیشه‌های فلسفی روایت شود حتماً دکتر ضمیران صاحب کتاب اندیشه‌های فلسفی در هزاره دوم آن را روایت می‌کند.

تاریخ شعر نو را دکتر مرتضی کاخی می‌گوید، شرح مثنوی را استاد علی معلم روایت می‌کند، شاهنامه فردوسی به روایت استاد جلال‌الدین کزازی کار می‌شود که هر کدام از اینها در کار خود کاردان و دانا هستند و شمار بسیاری دیگر از این آثار است که به نحوی شگفت، قابلیت سرمایه‌گذاری دارند که به شکل ظرفیت‌های دیگری از مدیا مثلاً دی‌وی‌دی یا سی‌دی تولید و در بازار فرهنگی عرضه شوند. ما معتقدیم رادیو باید در ارائه آثار صوتی به بازار نقش مهمی را ایفا کند و در این حوزه بهترین باشد.

تولید کتاب‌های صوتی که در برنامه چراغ پخش می‌شود در دستور کار ماست. تاکنون ۲۰ مجموعه تولید و بخشی از آن نیز پخش شده و هنوز چنان که قدر و شأن آن ایجاد می‌کند، شناخته نشده است و امیدواریم بعد از این بیشتر معرفی و شناخته شود و مورد عنایت بزرگان قرار گیرد.

انتخاب معروف‌ترین رمان‌های ایرانی و خارجی ساعت ۲۳ و ۳۰ دقیقه با صدای بهروز رضوی و نویسندگان حوزه داستان روایت می‌شود.

«صفر و یک» برنامه دیگری است که جدیدترین دستاوردهای فناوری‌های نوین را با رویکرد آموزشی و اطلاع‌رسانی در دستور کار خود دارد. این برنامه هر پنجشنبه ساعت ۲۱ با ارائه انواع اطلاعات و آموزش‌های روز در زمینه‌های مختلف کامپیوتری و IT، اینترنت، رایانه، بازی‌ها و تلفن همراه به مدت ۹۰ دقیقه پخش می‌شود؛ مثلاً بسیاری از بازی‌های رایانه‌ای که مورد استفاده قرار می‌گیرد شاید مناسب نباشد. بازی‌ها در برنامه صفر و یک براساس سن و سال افراد طبقه‌بندی می‌شود تا ضمن معرفی نرم‌افزار روز در این زمینه مشاوره‌هایی به خانواده‌ها بدهد.

استقبال مردم از چهره‌ها

از میان برنامه‌های فرهنگی و هنری شبکه رادیویی تهران، برنامه‌ای که بسیار مورد اقبال مسئولان، فرهیختگان و مخاطبان عادی قرار گرفته، برنامه‌ای است که مهمانان آن چهره‌های برجسته و ماندگار فرهنگی، هنری، اجتماعی و ... هستند. برنامه تمام قد روایتی از بزرگان فرهنگ معاصر است که جمعه‌ها از ساعت ۲۲ و ۳۰ دقیقه به مدت یک ساعت روی آنتن شبکه رادیویی می‌رود.

برنامه «آب و تاب» با حضور هنرمندان جمعه‌ها ساعت ۲۱ تا ۲۲ و ۳۰ دقیقه پخش می‌شود. برنامه‌ای که مخاطب خاص و عام خود را دارد و هر هفته به روایت صالح علا ارائه می‌شود.

صیانت از زبان فارسی

جامعه فرهنگی اولین آسیب خود را از جانب زبان می‌خورد. جامعه‌ای که نتواند زبان خود را صیانت کند، بسرعت زبان می‌بیند، با این دیدگاه، «قند پارسی» برنامه‌ای شامل گفت‌وگوهایی پیرامون زبان با استادان زبان و ادبیات فارسی است که پنجشنبه‌ها از ساعت ۲۱ به بررسی زبان معیار و زبان پارسی می‌پردازد. قند پارسی عنوان برنامه بر گفته تلمیخی از این بیت خواجه است که می‌فرماید: شکرشکن شوند همه طوطیان هند / زین قند پارسی که به بنگاله می‌رود

«تهران در شب»، یک جنگ فرهنگی ادبی و هنری است و به دلیل ساعت پخش، روایت ساده‌تری نسبت به چراغ دارد و حوزه عمومی‌تری را تحت پوشش قرار می‌دهد. این برنامه از شنبه تا جمعه ۳۰ دقیقه بامداد شروع می‌شود و تا ۲ بامداد ادامه دارد. گویندگان این برنامه وحید رونقی، منصور اسکندری، رضا خضایی، یوسف رحیمی، دکتر نیما تجبر، علی سلیمانی، حافظ

گذشتگان بررسی و معرفی شود. همان روز که پیشتر هم گفته شد این برنامه (چراغ) چند بخش یا به عبارتی چند برنامه مجزا در دل خود نهفته دارد.

میان برنامه‌ها

برنامه «کاغذ اخبار»، «گنج سخن»، «آمیانس» و «عصر آشنا» از برنامه‌های ۱۵ دقیقه‌ای است که در دل برنامه چراغ پخش می‌شود. در برنامه عصر آشنا، شعرای معاصر از آثار خود بهترین‌ها را انتخاب می‌کنند و خود به روایت آن می‌پردازند. برنامه گنج سخن هر شب در دو بخش ساعت ۲۳ و ۲۵ دقیقه میان برنامه چراغ و بخش دوم ساعت یک و ۵۵ دقیقه بامداد با بازخوانی متون نظم و نثر کهن پارسی به منظور آشنایی شنوندگان با ادبیات کلاسیک ایران تهیه و پخش می‌شود. این برنامه با خوانش دوباره متون کهن از جمله اشعار سنایی، غزنوی، شاهنامه فردوسی، منطق‌الطیر، تاریخ بیهقی، قابوسنامه، انوار سهیلی، روضه خلد مجد خوافی، خاقانی شروانی و ... با هدف آشنایی بیشتر علاقه‌مندان به ادبیات کلاسیک با حضور کارشناسان فرهنگ و ادب روی آنتن رادیو تهران می‌رود.

برنامه آمیانس، هر شب ساعت ۲۲ به ارائه گزارشی از اخبار و اتفاقات هنری می‌پردازد. در این برنامه نه‌تنها شنوندگان از جشنواره‌ها، نمایش‌ها، فیلم‌های در حال اکران و تئاترهای روی صحنه آگاه خواهند شد بلکه اطلاعات کاملی از اجراء، زمان و مکان، چگونگی و چرایی برنامه مورد نظر خود خواهند داشت. این برنامه هر شب با یکی از موضوعات ادبیات - شعر و داستان، نمایشنامه، فیلمنامه، معماری، هنرهای تجسمی، نقاشی، خطاطی، هنرهای حجمی نظیر مجسمه‌سازی و ... به ارائه اطلاعات علمی و هنری روز در این مورد می‌پردازد.

داستانگویی در برنامه «کتاب شب» مورد توجه مخاطبان قرار گرفته است. این برنامه هر هفته با



در زندگی ماشینی این روزها،

مردم در فاصله ساعتی که

در ترافیک هستند

یا ساعتی که مشغول کارند

می‌توانند کتابی را

به شکل شنیداری مرور کنند



نمایش؛ پیوند رادیو و روایت

نگاهی به شکل‌گیری و آسیب‌شناسی نمایش‌های رادیویی در ایران

رضوان اناری

برای همه ما پیش آمده یک بار یا چند بار با باز کردن پیچ رادیو به نمایش‌های رادیویی که برای مخاطبان این رسانه تولید شده است، گوش دهیم. البته حالا خیلی وقت است رادیوها دیگر پیچ ندارند و با تلفن همراه، داخل ماشین یا به‌وسیله تلویزیون صدایش را به گوش مخاطب می‌رساند و نمایش‌های رادیویی همچنان یکی از بخش‌های پرتولید و البته پرمخاطب رادیو هستند. رادیو توانسته با حفظ ژانرهای مختلف برنامه‌سازی از جمله نمایش رادیویی به حیات خود ادامه دهد تا بر خلاف آنچه بعد از آمدن تلویزیون به خانه‌ها گفته می‌شد، عمر رادیو نه تنها تمام نشد، بلکه وارد فاز جدیدی شد و سعی کرد با استفاده از فرصت در دسترس بودن، در همه جا و بخصوص در مکان‌هایی که از تلویزیون خبری نبود، فراگیری بیشتری پیدا کند، یکی از این فرصت‌ها هم درگیر کردن شنونده‌ها با داستان‌های روایی کوتاه مدت بود که رادیو توانست به خوبی از این فرصت استفاده کند.

اولین نمایش‌های رادیویی به سال ۱۳۲۱ مربوط می‌شود. در این زمان و تا سال‌ها پس از آن، نمایش رادیویی با آنچه امروز به عنوان نمایش رادیویی می‌شناسیم تفاوت چشمگیری داشت. به این صورت که بیشتر نمایش‌ها به تک‌گویی به‌وسیله بازیگران تئاتر اختصاص داشت. بازیگر، متن نمایش را با تیپ گرفتن به جای شخصیت‌های نمایش به‌تنهایی اجرا می‌کرد و از افکت یا موسیقی‌های نمایشی خبری نبود. در ضمن نمایش‌هایی که در تئاتر تهران و به‌وسیله سیدعلی‌خان نصر و بازیگران نامدار تئاتر تهران روی صحنه می‌رفت تقریباً به همان صورت تئاتری و نه رادیویی زنده در رادیو اجرا می‌شد. دیگر نمایش‌های رادیویی هم در آن زمان به صورت زنده روی آنتن می‌رفت و این‌طور نبود که برنامه‌های نمایشی مثل امروز از قبل تمرین و ضبط

شده باشد. البته بعدها در دهه ۳۰ و بتدریج با آمدن نوار ضبط صوت به رادیو و ضبط برنامه‌ها، نمایش هم ابتدا ضبط و سپس از رادیو پخش می‌شد. در این دوره است که افکت و موسیقی‌های مناسب با متن و اجرای نمایش همراه می‌شود. در همین زمان اولین سریال نمایشی از رادیو ایران روی آنتن رفت. اولین نمایش سریالی اوایل سال ۱۳۳۷ با نام «دختر آفتاب» یا شاید «عشق و جنگ» به کارگردانی صادق بهرامی و نویسندگی عزیزالله حاتمی و تهیه‌کنندگی پاشا سمیعی ضبط شد که ساعت ۲۲ از رادیو ایران پخش گردید. به همین مناسبت هم تا مدت‌ها ساعت ۲۲ به‌عنوان ساعت رسمی پخش نمایش از رادیو باقی ماند و مردم هم به شنیدن نمایش رادیویی در این ساعت عادت کردند.

اما حالا اوضاع نمایش رادیویی به طور کلی متفاوت شده و مخاطبان نباید هر شب تا ساعت ۲۲ منتظر بمانند، بلکه یک شبکه ۲۴ ساعته دارند که هر زمانی از شبانه روز آن را روشن کنند می‌توانند به نمایش‌های رادیویی گوش دهند و این جدا از ساعات زیادی است که شبکه‌های دیگر رادیو، نمایش پخش می‌کنند. رادیو نمایش ششم تیر ۹۰ در میان شوق و ذوق اهالی رادیو به راه افتاد تا خانه‌ای برای همه آنهایی باشد که عمری در رادیو گذراندند و جایی باشد برای مخاطبانی که برنامه‌های نمایشی را همیشه در دسترس داشته باشند.

البته همین تولید انبوه نمایش‌های رادیویی هم به یکی از نقاط ضعف آن تبدیل شده به‌طوری که نمایش‌ها عموماً با دقت پایین و سبک مشابه در ظرف مدت کوتاهی تولید می‌شود. به‌عنوان مثال یک نمایش تنها بعد از چند جلسه تمرین ضبط می‌شود و مرحله تولید آن ممکن است کمتر از دو یا سه جلسه باشد که این کمبود زمان در کنار بودجه پایین نمایش‌های رادیویی روی کیفیت آن تأثیر منفی دارد. شاید همین موارد بوده که باعث شده رادیو نمایش در کنار روند معمول نمایش‌های رادیویی به پخش



می‌شود و مخاطب نمی‌تواند با او بخوبی ارتباط برقرار کند؛ ضمن این که معمولاً در انتخاب صدا و لحن راوی به متن، موضوع و ژانر فیلم توجه نمی‌شود. این امر در کنار توضیحات بعضاً اضافه و ناقص راوی به یک نقطه منفی برای شنیدن رادیو فیلم محسوب می‌شود.

حالا هرچند رادیو فیلم با پخش صدای فیلم‌های سینمایی به دهه ۳۰ برگشته اما مواردی از این قبیل ممکن است با بازنگری‌ها و اصلاحاتی باعث جذب دوباره مخاطب به رادیو شوند و بتوانند به همه‌گیرتر شدن این رسانه کمک کنند.

رادیویی سریال‌های تلویزیونی و فیلم‌های سینمایی روی بیاورد. البته این نوع از پخش فیلم‌ها و سریال‌ها در رادیو نظر مخاطبان را به خود جلب کرد به‌طوری که رادیو فیلم توانست در زمره پرمخاطب‌ترین‌های رادیو نمایش قرار گیرد.

با این حال، رادیو فیلم نقطه ضعف‌هایی دارد که از جمله مهم‌ترین آنها این است که رادیو هنوز نتوانسته نقش راوی در فیلم‌های رادیویی را به نقشی پویا و در عین حال مرتبط با فیلم تبدیل کند، به‌طوری که راوی در بیشتر موارد عنصری اضافه روی فیلم حساب

دوری از قالب‌های مر سوم برنامه‌های مناسبتی

گفت‌وگو با عوامل برنامه «شرح بی‌نهایت» که ماه محرم روی آنتن رادیو گفت‌وگو می‌رود

سیمای پویا



در آستانه ماه محرم، این روزها شبکه‌های مختلف رادیویی و تلویزیونی در حال تولید برنامه‌هایی با مضمون قیام حسینی هستند. امسال نیز برنامه «شرح بی‌نهایت» همچون سال گذشته از سه‌شنبه، چهاردهم آبان (مصادف با اولین روز ماه محرم) شب‌ها از ساعت ۲۰ تا ۲۱ روی موج اف‌ام ردیف ۱۰۳/۵ مگا هرتز از رادیو گفت‌وگو پخش می‌شود؛ برنامه‌ای که تولید آن از اواسط مهر آغاز شده است. در فاصله ۱۵ روز تا شروع پخش این برنامه، در یکی از آخرین روزهای مهر، سری به استودیوی ضبط این برنامه (واقع در ساختمان شهدای رادیو) می‌زنم تا با عوامل برنامه گفت‌وگو کنم.

فرزان خانجانی‌افشار، طراح، محقق، نویسنده و مجری - کارشناس برنامه شرح بی‌نهایت می‌گوید: در این برنامه به وجه تمایز نهضت حسینی با دیگر نهضت‌های جهانی، بحث پیرامون احیای مجدد سنت ناب اسلامی در جوامع اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر و مباحثی از این قبیل پرداخته می‌شود. باید توجه داشت قیام امام حسین(ع) تفاوت بسیاری با دیگر حماسه‌های تاریخی دارد، زیرا نگاه عاشورا یک نگاه فراتر از انسانی است، متعلق به ملیت خاصی نیست و به همه بشریت تعلق دارد.

او ادامه می‌دهد: محوریت برنامه شرح بی‌نهایت محرم امسال، توجه به فلسفه نهضت و قیام امام حسین(ع) و اهداف مقدس این قیام است و می‌کوشیم با ارائه آموزه‌های مکتب اهل بیت عصمت و

طهارت در خصوص ترویج و گسترش فلسفه قیام حسینی و فرهنگ صحیح عاشورا گام برداریم و از طریق مباحثی که با کمک کارشناسان در برنامه مطرح می‌شود، اقشار جامعه را با خرافات و بدعت‌هایی که وارد فرهنگ ناب حسینی شده است، آشنا کنیم.

خانجانی‌افشار همچنین می‌گوید: یکی از دغدغه‌هایی که در برنامه امسال به آن توجه می‌شود، جلوگیری از ورود خرافات و بدعت‌هاست زیرا متأسفانه گاه شاهدیم در برگزاری برخی مراسم مربوط به محرم، از متن و محتوا فاصله گرفته و بیشتر به مسائل حاشیه‌ای توجه می‌کنیم. به همین منظور در برنامه شرح بی‌نهایت با کلامی ساده و براساس مستندات درباره فلسفه قیام عاشورا بحث می‌کنیم.

حمید بیرانوند، یکی از تهیه‌کنندگان قدیمی رادیو به عنوان تهیه‌کننده

برنامه شرح بی‌نهایت فعالیت می‌کند. او می‌گوید: شرح بی‌نهایت در واقع تمثیلی از شرح قیام امام حسین(ع) است که نهایتی برای این گفتار نمی‌توان تصور کرد. ساختار برنامه، گفت‌وگومحور است و در این زمینه با حضور کارشناسان مجرب دانشگاه و حوزه بحث و گفت‌وگو می‌کنیم. وی در ادامه می‌گوید: در ساخت این برنامه هنرمندانی همچون استاد انوشیروان ارجمند، اردلان شجاع‌کاوه، جهانگیر الماسی، مریم رادپور و بهروز رضوی همکاری داشته و روایت، شعر و نثرهایی را خوانده‌اند که متناسب با ایام محرم است. هدف ما این بود که با تنوع صدا، اجراهای مختلف و آئونس‌های گوناگون، از قالب خشک برنامه‌های مناسبتی فاصله بگیریم و با شیوه‌ای جدیدتر، پیام حماسه حسینی را به مخاطبان برنامه شرح بی‌نهایت انتقال بدهیم. همچنین گزارش تخصصی از دانشجویان و محققانی که در زمینه تاریخ و معارف اسلامی فعالیت دارند، تهیه شده که در فواصل برنامه‌ها پخش می‌شود.

تهیه‌کننده این برنامه همچنین می‌گوید: در برنامه شرح بی‌نهایت به آسیب‌شناسی برخی بدعت‌ها، رفتارهای اجتماعی و تحریف‌ها در عزاداری‌ها می‌پردازیم. یکی از اهداف ترسیم شده برای تولید برنامه شرح بی‌نهایت این است که ما بتوانیم در کنار توجه و تبلیغ ارزش‌های معنوی و اعتقادی قیام عاشورا، به رسالت آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی خود به عنوان یک رسانه نیز عمل کنیم.

بیرانوند می‌گوید: عاشورا متعلق به زمان و مکان خاصی نیست. ما در برنامه شرح بی‌نهایت با کمک همکارانم و بضاعت رسانه رادیو می‌کوشیم تحقیقات و مستنداتی که در اختیار داریم در ساختار برنامه‌ای ارائه کنیم که دارای محتوا باشد و مورد توجه مخاطبان رادیو گفت‌وگو قرار گیرد.

تهیه‌کننده برنامه رادیویی شرح بی‌نهایت می‌گوید: هم‌اکنون در حال ضبط بخش‌های پایانی برنامه هستیم و همزمان با آغاز پخش این برنامه از شنوندگان درخواست می‌کنیم ضمن تماس با روابط عمومی رادیو گفت‌وگو، ما را از نظرات خود درباره برنامه شرح بی‌نهایت آگاه کنند.

روایت رادیو از جامعه منتظر

گزارشی از تنها برنامه رادیویی مختص مهدویت



پرونده‌های رادیو

زهره زمانی

اینجا استودیو شماره ۱۸ ساختمان شهدای رادیو، محل ضبط برنامه «مشرق احساس» است. آرم برنامه که قطعه شعری از خلیل ذکاوت است با صدای سید محمد اطری پخش می‌شود: «عاقبت مغرب تمامی محو مشرق می‌شود/ عاقبت غربی‌ترین دل نیز عاشق می‌شود». در ادامه، محمد محسنی (کارشناس - مجری برنامه) بحث را با موضوع مشخصه‌های جامعه مهدوی و تقابل احزاب آغاز می‌کند.

مشرق احساس به همت گروه اندیشه رادیو ایران، بیش از سه سال است ظهرهای جمعه از رادیو ایران پخش می‌شود.

از دکتر محمدهادی همایون، استاد دانشگاه امام صادق(ع) و کارشناس برنامه درخصوص ویژگی‌های یک برنامه مذهبی و اندیشه‌ای می‌پرسم که می‌گوید: یک برنامه مذهبی مثل همه برنامه‌های دیگر باید مخاطب خودش را بشناسد و براساس ویژگی‌های مخاطب، رده سنی و شغلی آنها را طبقه‌بندی کند.

می‌پرسم رادیو چطور می‌تواند اعتقاد به امام‌زمان(عج) را در دل و یقین مردم بیشتر کند که می‌گوید: رادیو یک رسانه است. یک وسیله ارتباط جمعی است و کارش این است حوزه‌هایی را که در اندیشه، فرهنگ و رفتار مردم تأثیرگذار است، از طریق رسانه گسترش دهد. طبیعتاً یکی از موضوعات مهمی که در ادبیات امروز ما چه در مجامع علمی و چه میان مردم وجود دارد، موضوع مهدویت است و قاعدتاً رادیو هم مثل هر رسانه دیگری وظیفه‌اش این است بحثی را که در سطح علمی دارد انجام می‌شود و ممکن است در سطح عمومی‌تر مردم به خرافات کشیده شوند با حفظ ویژگی‌های علمی ولی در حدی که بتواند در سطح فرهنگ مردم گسترش یابد، تولید کند و انتشار دهد.

پیش از این که برنامه دیگری ضبط شود، از محمد محسنی می‌پرسم با چه لحنی برنامه را اجرا می‌کند که می‌گوید: از آنجا که برنامه مشرق احساس جمعه‌ها از امواج رادیو ایران پخش می‌شود، سعی کردیم براساس نوع محتوایی که برای این برنامه در نظر گرفته‌ایم، بحث مهدویت را به صورت معرفتی و عقلی بررسی کنیم. همچنین چون این برنامه، ظهرهای جمعه پخش می‌شود، مسلماً نوع مخاطبش کاملاً متفاوت است. بنابراین سعی می‌کنیم برنامه به نوعی با حال و هوای روز جمعه سنخیت داشته باشد.

گوینده این برنامه ادامه می‌دهد: دور جدید برنامه

مشرق احساس را پشت سر می‌گذاریم و فکر کنیم تا به حال حدود ۹۰ هفته این برنامه روی آنتن رفته است. ما در این مدت سعی کرده‌ایم یک روال کاملاً منطقی و حساب شده را پیش بگیریم. هر برنامه رادیویی اقتضای خاص خودش را دارد. مجری - کارشناس که برنامه را اجرا می‌کند، براساس نوع مخاطبی که دارد آن برنامه را گوش می‌کند یا نوع مهمانی که در برنامه حاضر است، سعی می‌کند به گونه‌ای برنامه را هدایت کند و پیش‌بیرد که هم مهمان برنامه و هم مخاطب برنامه هر دو بتوانند راحت باشند و برنامه را به نوعی بپذیرند. از آنجا که بحث نگاه عقلی به حوزه مهدویت به نوعی از بحث‌های جدید است که در برنامه‌های صدا و سیما شروع کردیم، می‌طلبید نگاهی متفاوت داشته باشیم. بنابراین سعی می‌کنیم سطح کار را خیلی بالا ببریم و خیلی هم پایین نیاوریم.

وقتی از دکتر همایون می‌پرسم چه موضوعاتی در برنامه رادیویی مشرق احساس مطرح می‌شود، می‌گوید: ما در برنامه مشرق احساس در برابر همه رویکردهای دیگری که در حوزه مهدویت وجود دارد، سعی کردیم با یک رویکرد تمدنی به موضوع مهدویت نگاه کنیم. فرض کنید مثلاً وقتی کلامی که به دفاع از رویکرد مهدویت می‌پردازد یا ذکر حوادث و نشانه‌های ظهور یا دیدگاه ادبی و عاطفی که به بیان داستان‌ها، خاطره‌ها و دلنوشته‌ها می‌پردازد، رویکرد تمدنی دارد، موضوع مهدویت را از یک زاویه دیگر نگاه می‌کند و فرضش بر این است که در این چند هزار سال که از زندگی بشر روی زمین می‌گذرد، هدف اصلی انبیاء زمینه‌سازی برای تشکیل این حکومت بوده است و تا پایان تاریخ به این حکومت خواهیم رسید.

محمد پورابراهیم، اولین سردبیر برنامه مشرق احساس با اشاره به این که اولین بار مهر سال ۸۹ برنامه



همایون:

ما در برنامه مشرق احساس

در برابر همه رویکردهای

موجود، سعی کردیم با یک

رویکرد تمدنی به موضوع

مهدویت نگاه کنیم



از آنتن رادیو ایران پخش شد، می‌گوید: آن زمان برنامه به صورت زنده تهیه و پخش می‌شد و ما برای اولین بار با حضور استنادی از دانشگاه‌های قم و تهران (که در حوزه مهدویت و امام زمان(عج) تحقیقاتی انجام داده بودند) یک سلسله مباحث با رویکرد شناخت امام زمان(عج) را در برنامه مطرح کردیم.

پورابراهیم بحث در مورد ظهور، مقدمات و نشانه‌های ظهور، بیان مشخصه‌های جامعه مهدوی و شبهات مربوط به مهدویت را از دیگر موضوعات این برنامه دانست.

همچنین عبدالله علایی، سردبیر دوم این برنامه، موضوعات مشرق احساس را به بررسی کتاب‌هایی که در مورد مهدویت و ظهور نوشته شده بود، اختصاص داد. او می‌گوید: نویسندگان برخی از کتاب‌هایی که در مورد مهدویت به رشته تحریر در آمده بود نیز به برنامه دعوت می‌شد تا درباره اثر خود صحبت کنند. آنجا بود که با کتابی به نام «تمدن اسلامی و جامعه مهدوی» به نویسندگی دکتر محمدهادی همایون استاد دانشگاه امام صادق(ع) آشنا شدم. از آن پس با حضور دکتر همایون مباحث حزب شیطان و حزب‌الله و مطابقت آن را با تاریخ انبیاء از حضرت آدم(ع) تا خاتم(ص) در برنامه مطرح کردیم. این که هدف غایی انبیاء تشکیل حکومت عدل و قسط جهانی بوده و همه انبیاء در کتاب‌هایشان وعده ظهور منجی را داده بودند. بررسی تاریخی تقابل حزب شیطان و حزب‌الله و این که در کجاها این دو حزب قوی شده‌اند، حزب شیطان از چه راه‌هایی قوی می‌شود و چه چیزهایی باعث شده حزب‌الله ضعیف شود، آسیب‌شناسی جریان‌های الهی و راه‌های رسیدن به وحدت کلمه برای مقابله با نقشه‌های شیطان در س از تاریخ و این که تاریخ تکرار می‌شود، بیان مصادیق تاریخ و نقش صهیونیست جهانی در منحرف کردن تمدن اصیل الهی و راه‌های مقابله با آن از دیگر موضوعاتی بود که در برنامه مشرق احساس مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

علایی درخصوص استفاده از موسیقی در برنامه مشرق احساس می‌افزاید: بیشتر از موسیقی‌های فیلم که متناسب با موضوع مهدویت و جامعه منجی بود، استفاده می‌کردم. در بخش‌هایی هم از کلام علماء و گاهی هم برای تلطیف فضا از شعر خوانی کوتاه درخصوص امام زمان(عج) بهره می‌بردم.

حسین معصومی، سومین سردبیر - تهیه‌کننده برنامه مشرق احساس نیز می‌گوید: این برنامه با رویکرد سلسله مباحث مهدویت تولید و تلاش می‌شود در آن مطالب تاریخی متقن بیان شود.

قالب در پیامک‌ها/۳۰۰۰۱۱۲۲۱

۳۸۴۶---۰۹۳۵: با عرض سلام و خسته نباشید خدمت کارکنان محترم قالب کوچک. از شما خواهشمندم با فریبا طاهری گوینده رادیو گفت‌وگو کنید.

۸۹۹۱---۰۹۳۸: اگر امکان دارد پرونده‌ای درباره برنامه‌های ورزشی سیما در قالب کوچک منتشر کنید.

پیش از این در شماره ۳۷۳ پرونده‌ای در این زمینه داشته‌ایم گرچه به دلیل گستردگی و جذابیت موضوع، در آینده امکان انتشار مطالب دیگری در قالب پرونده با این موضوع وجود دارد.

۷۸۹۰---۰۹۱۲: اگر امکان دارد ترتیبی دهید تا جدول پخش برنامه‌های تلویزیون را در قالب کوچک مجدد ببینیم.

جدول پخش برنامه‌ها هر روز در صفحات میانی روزنامه جام‌جم منتشر می‌شود.

۶۷۲۲---۰۹۱۷: لطفاً گزارش‌های پشت صحنه سریال‌های ایرانی را بیشتر منتشر کنید.

۵۵۳۳---۰۹۳۵: صد حیف که در قالب کوچک، خبری از قالب موسیقی نیست.

در ضمیمه قالب کوچک بارها به موسیقی در رادیو و تلویزیون پرداخته شده و در این شماره نیز صفحات ویژه‌ای به این مساله اختصاص داده‌ایم.

۵۹۲۶---۰۹۳۵: با سلام خدمت شما و همکاران محترم. می‌خواستم تقاضا کنم راه‌های ورود به رادیو و تلویزیون و مجری شدن را از طریق قالب کوچک به ما نشان بدهید و ما را راهنمایی کنید.

۴۵۸۴---۰۹۱۹: باسلام. لطفاً مصاحبه‌ای با جمشید هاشم‌پور بازیگر مطرح داشته باشید.

۴۳۹۹---۰۹۱۲: از طراحی خوب جلد شماره ۴۱۲ قالب کوچک و گفت‌وگو با استاد چهره‌پردازی ایران عبدالله اسکندری تشکر می‌کنم.

۱۱۱۷---۰۹۱۹: از خوانندگان علاقه‌مند به صفحه تله‌فیلم قالب کوچک هستم. به نظر من صفحه خوبی است.

۴۱۷۸---۰۹۱۲: مطالب خوبی درباره شبکه نسیم که قرار است راه بیفتد در قالب کوچک خواندم. به نظر من مطالب بجایی بود و حرف دل ما را زده بودید.

۳۸۴۴---۰۹۱۱: سلام و عرض خسته نباشید. به آقای ولی زارع بفرمایید با اطلاعات به‌روزتری درباره برادران قاسم‌خانی صحبت کنند، چراکه متون و دیالوگ‌های این دو برادر یک برند خاص دارد.

۱۸۴۶---۰۹۱۲: کاش آقای سعید نیکپور که سریال‌هایی چون «امیرکبیر» و «شاه‌شکار» را ساخته بود یا آقای افخمی که کوچک جنگلی را ساخته بود، سریال تاریخی بسازند. به نظر من ساخت سریال‌های تاریخی دست چند کارگردان افتاده و نگاه‌ها متنوع نیست.

۳۴۳۳---۰۹۱۲: با بهار افشاری، بازیگر موفق سینما و تلویزیون به بهانه سریال «معراجی‌ها» گفت‌وگویی منتشر کنید.

۳۵۰۹---۰۹۱۲: دانشجوی کارگردانی دانشگاه سوره هستم. خواستم ببینم امکان ارسال مطالبی درباره کارگردانی سریال‌های تلویزیونی را دارم یا خیر؟ راهنمایی بفرمایید.

دوست عزیز: به دلیل تراکم مطالب و حجم کم صفحات قالب کوچک، امکان انتشار تمامی مطالب شما وجود ندارد. اما مطالب خود را به نشانی پستی ضمیمه ارسال کنید تا با توجه به شرایط قالب کوچک از آنها استفاده شود.

۱۷۱۸---۰۹۱۲: در قالب کوچک به انیمیشن بیشتر بها بدهید.

۱۸۸۷---۰۹۳۶: چرا قالب کوچک مسعودده‌نمکی را تحریر کرده و هیچ اطلاعاتی از کار تلویزیونی تازه او در این ضمیمه چاپ نشده؟

این گونه نیست دوست عزیز! اخبار این سریال در قالب خبرسازان در این ضمیمه انعکاس یافته و اتفاقاً در این شماره می‌توانید گزارشی درباره یکی از سریال‌های آقای ده نمکی بخوانید.

۷۸۷۰---۰۹۱۲: خواستم از طریق قالب کوچک از آقای مسعود فروتن برای تولید برنامه خوب و دیدنی «یادگاری» تشکر کنم.

را به تنهایی در جلوی دوربین انجام می‌دهد. او جوانی فعال و ماجراجوست که با ظلم و جنایت مبارزه می‌کند و مخالف بی‌عدالتی است. ما در مجموعه‌های تلویزیونی و فیلم‌های سینمایی تعداد زیادی شخصیت قهرمان مونث نداریم. وقت آن رسیده که به خانم‌ها فرصت عرض‌انداز داده شود تا ثابت شود آنها هم مثل مردان می‌توانند با نیروی پلیدی و سیاهی مبارزه کنند.

فصل اول مامور کارتر در ۱۳ اپیزود تهیه خواهد شد. قرار است کلید فیلمبرداری اپیزود اول آن اوایل بهار ۲۰۱۴ زده شود. این قسمت برای بخش در تابستان همین سال آماده خواهد شد. اپیزودهای بعدی مجموعه کمی پس از پخش اپیزود اول آن جلوی دوربین خواهد رفت. مسئولان شرکت مارول می‌خواهند اول نوع واکنش تماشاگران تلویزیون نسبت به اپیزود اول مجموعه را دیده و ارزیابی کنند و پس از آن درباره چگونگی تولید قسمت‌های بعدی آن تصمیم بگیرند. به احتمال زیاد لوئیس دی اسپوزیدو، کارگردانی اپیزود اول و چند اپیزود دیگر این مجموعه را به عهده بگیرد. با توجه به این که شخصیت کاپیتان آمریکا نامزد پگی کارتر است، برای منتقدان تلویزیونی این پرسش مطرح شد که آیا وی در قصه مجموعه تلویزیونی مامور کارتر هم حضور خواهد داشت یا خیر؟ در عین حال، این پرسش هم مطرح است که در صورت حضور این شخصیت در مجموعه، نقش او را کریس ایوانز بازی خواهد کرد یا بازیگر دیگری به ایفای این نقش می‌پردازد.

با آن که این پرسش در سطح وسیعی مطرح شده و برای منتقدان و تحلیلگران تلویزیونی از اهمیت زیادی برخوردار است، مسئولان شرکت فیلمسازی مارول در رابطه با آن سکوت کرده‌اند. برخی منابع می‌گویند آنجا که فیلمنامه مجموعه هنوز کامل نشده، احتمالاً خود مسئولان مارول هم نمی‌دانند در این باره باید چه بگویند و چه اظهارنظری کنند؛ در حالی که کریس ایوانز در گفت‌وگویی حضور خود در هر مجموعه تلویزیونی را در حال حاضر منتفی دانسته و گفته قصد بازی در نقش اصلی یا مکمل هیچ کار تلویزیونی را ندارد.

هایلی آتدل، بازیگر نقش پگی کارتر، متولد سال ۱۹۸۲ انگلستان است. او پس از بازی در تعدادی نمایش تئاتری راهی دنیای سینما شد و در فیلم‌هایی مثل «دوشس‌ها» و «روای کاساندر» بازی داشته که جزو آثار مستقل صنعت سینما هستند. او یکی از بازیگران اصلی مجموعه پربیننده تاریخی «ستون‌های زمین» هم بوده است. آتدل در فاصله سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳ در بیش از ۲۰ مجموعه تلویزیونی و فیلم سینمایی تلویزیونی بازی کرده است و برای حضور در شش تایی آنها، نامزد دریافت جوایز امی و گلدن گلوب شده است. او هم‌اکنون مشغول بازی در قسمت دوم کاپیتان آمریکا است که برای نمایش عمومی در ایام تابستان سال آینده میلادی آماده می‌شود.

از اول بسازد. روث بزودی مورد حمله کسانی قرار می‌گیرد که قصد انتقام گرفتن از وی را دارند، اما وی نمی‌داند این افراد چه کسانی هستند و دلیلشان برای حمله به او چیست. کریستوفر مک کوآری که سابقه همکاری با رسانه تلویزیون را نیز دارد بر این عقیده است که قصه مجموعه‌های تلویزیونی، دستمایه خوبی برای تولید فیلم‌های سینمایی با ارزش و موفق است. تهیه‌کنندگان مجموعه تلویزیونی نابخشوده در تولید نسخه سینمایی آن هم مشارکت دارند، ولی کسی از عوامل تولید مجموعه با این فیلم همکاری نخواهد کرد.

قاب‌چاپ

نظر و پیشنهاد خود را درباره این ضمیمه به نشانی تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدير روزنامه جام‌جم یا پست الکترونیکی ghabeekoochak@jamejamonline.ir بفرستید یا به شماره ۳۰۰۱۱۲۲۱ پیامک بزنید.



«مامور کارتر» به تلویزیون می‌آید

ورایتی / مترجم: کیکاووس زیاری

نقش نامزد ابرقهرمان قصه یعنی کاپیتان آمریکا ظاهر شد. او در این فیلم حضوری کوتاه‌مدت داشت و قصه فیلم، توجه خیلی زیادی به وی نکرد.

قصه مجموعه مامور کارتر هم در دوران جنگ جهانی دوم اتفاق می‌افتد و در اپیزودهای مختلف آن، شخصیت اصلی قصه به مبارزه با آذما و موجودات شروری می‌پردازد که برای مردم کره زمین دردسر و مشکل ایجاد می‌کنند. هایلی آتدل که در کاپیتان آمریکا در نقش پگی کارتر بازی کرد، قرارداد همکاری با تهیه‌کنندگان مجموعه تلویزیونی را امضا کرده و یک بار دیگر در این نقش ظاهر می‌شود. داستان مجموعه یک سال پس از پایان ماجراهای قصه کاپیتان آمریکا رخ می‌دهد و شخصیت پگی کارتر برای انجام ماموریت‌های خود همکار و همراهی نخواهد داشت. هایلی آتدل درباره نقش خود در این مجموعه می‌گوید: زمانی که مشغول بازی در کاپیتان آمریکا بودم، احساس کردم شخصیت پگی کارتر جای زیادی برای کار دارد و می‌تواند به یک شخصیت مستقل تبدیل شود که ماجراجویی‌های خویش

سینمایی - که به وسیله شرکت مارول تهیه شده و کریس ایوانز در نقش اصلی آن بازی کرد - باعث شد مسئولان مارول به فکر تولید یک اثر مستقل هنری براساس شخصیت وی بیفتند، اما آنها احساس می‌کنند این مامور ماجراجو، توانایی و ظرفیت تبدیل شدن به یک شخصیت سینمایی را ندارد و بهتر است او را راهی یک مجموعه تلویزیونی کرد.

لوئیس ال اسپیزیدو - یکی از مسئولان شرکت مارول - مسئول تولید مامور کارتر است. او با همکاری سه فیلمنامه‌نویس تلویزیونی مشغول نگارش فیلمنامه این مجموعه تلویزیونی است. اپیزود اول مجموعه مثل تمام کارهای تلویزیونی، یک فیلم سینمایی تلویزیونی یک ساعت و نیمه خواهد بود. این فیلم تلویزیونی - که در اصطلاح تلویزیونی از آن با نام Pilot اسم می‌برند - به معرفی کامل شخصیت پگی کارتر خواهد پرداخت و فضای کلی مجموعه را به تماشاگران معرفی خواهد کرد. پگی کارتر در دوران جنگ جهانی دوم که قصه نسخه سینمایی کاپیتان آمریکا در آن رخ می‌داد، در

واحد تلویزیونی شرکت فیلمسازی مارول در تدارک تولید مجموعه تلویزیونی «مامور کارتر» است. این مجموعه مثل داستان‌های معروف واحد انتشاراتی این شرکت فیلمسازی، حال و هوایی کمیک‌استریپی و ابرقهرمانانه دارد. تحلیلگران و منتقدان تلویزیونی می‌گویند حالا که این شرکت اولین مجموعه تلویزیونی خود «ماموران شیلد» را آماده پخش می‌کند، همگان چشم‌انتظار تولید مجموعه بعدی آن هستند. خط اصلی قصه مامور کارتر هم شبیه داستان‌های ماجراجویانه و اکشن ماموران ضدجاسوسی و ورزیده است که با لباس‌های مبدل و هویت پنهان، راهی ماموریت‌های مهم، خطرناک و غیرممکن می‌شوند. شخصیت اصلی مجموعه تازه شرکت مارول یک مامور خانم به نام پگی کارتر است. این شخصیت اولین بار در فیلم سینمایی «کاپیتان آمریکا: اولین انتقام‌جو» به دیدار تماشاگران آمد. استقبال تماشاگران از حضور وی در این فیلم

«نابخشوده» در یک سفر هنری



کریستوفر مک کوآری، فیلمنامه‌نویس سرشناس قصه یک مجموعه انگلیسی را به یک فیلم

در حالی که صنعت سینما برای سوژه فیلم‌های خود سراغ مجموعه‌های موفق تلویزیونی می‌رود،

سینمایی تبدیل می‌کند. مک کوآری که سال قبل به جمع کارگردانان سینما هم پیوست، کارگردانی درام اجتماعی «نابخشوده» را به عهده گرفته است. نابخشوده سینمایی براساس قصه فیلمنامه مجموعه پربیننده‌ای به همین نام ساخته می‌شود که سال ۲۰۰۹ روی آنتن تلویزیون رفت. این مجموعه که به مینی سریز معروف است - مجموعه‌هایی که در سه یا چهار اپیزود ساخته می‌شود - هم تحسین منتقدان را برانگیخت و هم تعدادی از جوایز مراسم مختلف تلویزیونی را گرفت. نسخه تلویزیونی به وسیله دیوید ایوانز کارگردانی شد. فیلمنامه این مجموعه را سالی وین رایت نوشته بود. تماشاگران تلویزیونی، نابخشوده را در سه قسمت ۴۵ دقیقه‌ای دنبال کردند.

سوزان جونز در قصه این مجموعه پرتش در نقش زن چهل ساله‌ای به نام روث استلر بازی کرد که پس از ۱۵ سال از زندان آزاد می‌شود. وی به اتهام قتل یک افسر پلیس زندانی شده بود و حالا در بازگشت به خانه باید با خواهر جوان خود که از یک بیماری سخت رنج می‌برد، همراه شود و زندگی از دست‌رفته‌اش را دوباره